

## جهان در پرتو نوسازی و نواندیشی

### سرمایه‌داری میان گذشته و حال

برداشت دانشمند چینی "لو چون مین" از سرمایه‌داری معاصر و نقطه نظر پرفرنسور "یوری کراسین" نسبت به این برداشت در صفحه ۸

### سیمای نوین دیپلماسی

قسمتهائی از پاسخ ادوارد شوارد نازره وزیر امور خارجه اتحاد شوروی به سوالات هفته نامه "فاکتهاو شوامد" در صفحه ۹

## اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### درباره مرگ خمینی

در صفحه ۳

#### انتخابات

### یا نمایش انتصاب رفسنجانی به ریاست جمهوری

۵ روز ادامه می‌یابد. همه‌ی شواهد حاکی از آنست که سران رژیم می‌کوشند با استفاده از مراسم عزاداری خمینی فضای روانی مساعدی در افکار عمومی بوجود آورند و بدون فوت وقت رفسنجانی را بر کرسی ریاست جمهوری بنشانند. در همین ارتباط وزارت کشور ناگهان اعلام کرد انتخابات ریاست جمهوری ۳ هفته زودتر از موعد مقرر برگزار می‌شود.

جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که روز ۲۷ مرداد ماه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی برگزار خواهد شد. مدتی پیش تر شورای نگهبان، اعضای هیات نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را تعیین کرد و آخوند یزدی راه ریاست آن برگمارد. هلیرقم مرگ خمینی مقامات جمهوری اسلامی صحبتی از تاخیر در تاریخ تعیین شده انتخابات نکردند. مدتی قبل تر وزیر کشور اعلام کرد که نام نویسی انتخابات ریاست جمهوری روز ۲۸ تیر ماه آغاز می‌شود و بمدت

بقیه در صفحه ۱۵

## کنگره نمایندگان خلق اتحاد شوروی

در صفحه ۷

### پیرامون سفر رفسنجانی

### به اتحاد شوروی

عمل آمد. انتشار سند سیاس مهم درباره اصول روابط متقابل دو کشورو چشم انداز گسترش مناسبات در مرحله جدید آن، انعقاد قرار داد برنامه همکاریهای بلندمدت اقتصادی، بازرگانی، علمی و فنی و فرهنگی تا سال ۲۰۰۰ حاصل این دیدار بوده است. در اظهار نظرهای رسمی و اسناد منتشره بر

رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی رژیم بنا به دعوت میخائیل گارباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و ریاست شورای عالی اتحاد شوروی، روز ۳۰ خرداد ماه همراه یک هیات بلند پایه شامل برخی از وزرا و معاونین وزارتخانه ها و روسای نهادهای مختلف به کشور شوروی مسافرت کرد. طی اقامت رفسنجانی در اتحاد شوروی پیرامون مناسبات دو کشور، مسایل منطقه ای و بین المللی بحث و گفتگو به

بقیه در صفحه ۶

## رنج زندگی

### در جهنم جمهوری اسلامی

اکنون خمینی به گور سپرده شده است... اما مردم برپا ایستاده‌اند؛ صبور، سنگین و با خشم و نفرتی که تراکم می‌یابد. مردم نفرت بر نفرت تلنبار می‌کنند و در تلاطم بی‌صدای امروز، طوفان آینده را بارور می‌سازند. آنان در جهنمی که در طول ده سال حکومت خمینی ساخته شد چیزی را تدارک می‌بینند که پاهای خسته آسودگی خواهد یافت و دل‌های حرمان کشیده آکنده از امید خواهد شد.

...و اینک صدای پاهای مردم و آواز قلبهای آنان که خمینی در خاموشی خود نیز از آن در هراس است. و اینک صدای پاهای مردم و آواز قلبهای آنان که سرود ساز آینده است. آینده‌ای که ما را با آن پیوندی گسست ناپذیر است. اینک صدای پاهای و آواز قلبهای مردم...

در صفحه ۴

## وقتی در انجام

### اصلاحات سیاسی

### تاخیر می‌شود

در صفحه ۷

## ارباب و هتاکی به شخصیت‌ها

### و گروههای سیاسی اپوزیسیون

### محکوم است

در صفحه ۳

## سرمقاله

### درگذشت خمینی

### پی آمدها و چشم اندازها

با درگذشت خمینی فصل تازه‌ای در حیات سیاسی کشور ما گشوده شد. فقدان خمینی اثرات غیر قابل انکاری در تحول اوضاع در حکومت و پیرامون حکومت بر جا خواهد گذاشت و دست کم بدلیل حذف نقش و نفوذ قاطع او در سیر روندها و رویدادها به حدت تضادها و سیر دگرگونی‌ها در جمهوری اسلامی شتاب خواهد بخشید. میراثی که از خمینی برای مردم بجا ماند، استبداد، ویرانی و فقر است. بر بساط این میراث شوم آیا جانشینان خمینی قادر به تحکیم مقام و موقعیت خود خواهند بود؟ کدام چشم انداز در انتظار آنهاست؟ سوالاتی از این دست اذهان بسیاری را در این روزها به خود مشغول کرده است. و این در حالیست که بدون طرح پاسخ این سوالات، ترسیم خطوط مشخص و وظایف نیروهای ترقیخواه و انقلابی کشور در شرایط جدید ناممکن خواهد بود.

هنوز ۲۴ ساعت از مرگ خمینی نگذشته بود که "مجلس خبرگان" سیدعلی خامنه‌ای را جانشین او و "رهبر عالی انقلاب" اعلام داشت. تحرک چشم گیر آخوند‌های ارشد دست آموز خمینی، آنهم زمانی که هنوز بحران ناشی از برکناری اجباری آیت الله منتظری کاملاً فرو ننشسته بود، نشانه آمادگی از پیش اینان در مواجهه با مرگ خمینی است.

نشان دادن خامنه‌ای بر تخت فرمانروایی خمینی موید چند نکته است. خامنه‌ای در سلسله مراتب آخوندی، آخوند ارشدی به حساب نمی‌آید، او بر خلاف تصویحات قانون اساسی که مقام جانشینی خمینی را در حیطه "تقیه جامع الشرایط" و "مرجع واجد شرایط" می‌شناسد، نه

بقیه در صفحه ۲

## قلگرام

### به پارلمان اروپا

در صفحه ۳



## اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# درباره مرگ خمینی

کشور، از هم میهنانی که از حکومت دهساله خمینی رنج برده‌اند، داغ دیده‌اند دعوت می‌کنند که نگذاریم حکومت استبدادی آخوندی به حیات خونریز خود ادامه دهد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این وضع چرخشی حساسی که رژیم پشت سر می‌نهد، اعلام می‌دارد که برای این رژیم نیز فرجامی جز مرگ و نابودی مقدر نیست. برای هر چه نزدیک تر کردن روز پیروزی مردم، فدائیان خلق ایران از همه آزادیخواهان و ایران دوستان دعوت می‌کنند در مبارزه بخاطر برچیدن بساط استبداد آخوندی و استقرار یک حکومت دموکراتیک دست یكدیگر را ببشارند. اتحاد وسیع همه نیروهای ترقی خواه کشور پاسخگوی مطالبه بر حق مردم ایران برای نجات از چنگ این رژیم پلید است.

زنده باد آزادی، زنده باد صلح  
پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۴ خرداد ۱۳۶۸

ده سال حکومت خمینی وضع زندگی میلیون‌ها کارگر و کارمند و روستایی ایران را هر روز وخیم تر و سفره آنان را هر روز خالی تر کرده است. امروز رژیم، بی‌انگیز و رهبر خود، یگانه فردی را که قادر بود میات حاکمه را متحد نگاه دارد، از دست داده است. با از دست دادن خمینی رژیمش باز هم بی آینده تر شد. فقدان خمینی سران قدرتمند رژیم را بیش از پیش بجان یكدیگر می‌اندازد. بحران و کشمکش در دستگاه حاکمه تشدید می‌شود. خلق شتابزده آیت‌الله منتظری دو ماه قبل از مرگ خمینی بارزترین نشانه حدت اوچ گیرنده بحران در رژیم جمهوری اسلامی پس از مرگ خمینی است. فقدان خمینی در چنین شرایطی برای رژیم البته که مصیبتی بزرگ و فاجعه‌ای جبران ناپذیر است.

اما برای میلیون ها مردم ما که همگی زهر حکومت استبدادی آخوندی را در کام خود چشیده‌اند هم استقرار و هم ابقای حکومت خمینی بزرگ ترین و جبران ناپذیر ترین فاجعه است. امروز آزادگانی که خبر مرگ خمینی را شنیدند، با خود می‌گویند ایکاش این خبر هم میهنان همیز!

فدائیان خلق ایران از همه نیروهای ترقی خواه

هم میهنان!  
سرانجام ساعهاتی پیش خبر مرگ خمینی که انتظار آن می‌رفت، رسماً اعلام شد.

امروز کسی سر بر زمین نهاده است که با وعده آزادی و استقلال و عدالت به شما مردم ایران، حکومتی را مستقر کرد که با خونخوارترین و مردم کش ترین رژیم‌ها هم قابل مقایسه نیست.

در تاریخ کشور ما نبوده است رهبری که با آن وسعت مردم را بسوی خود کشد و سپس سیاه‌ترین حکومت استبدادی و مرتجع را بر مردم تحمیل کند.

امروز کسی به خاک سپرده می‌شود که مسئولیت مرگ جانگداز صدها هزار جوان و نوجوان ما در تنور جنگی احمقانه و خیانت بار - جنگی که کشور را بسوی ویرانی کشید - بر عهده اوست.

اکنون رژیم مستبد جمهوری اسلامی، رهبر اصلی خود یعنی طراح و مجری سیاست سرکوب و قتل عام همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور، هزاران زندانی سیاسی معصوم و بی‌دفاع و مسئول آوارگی میلیون ها ایرانی آزاده و روشنفکر در ده‌ها کشور جهان را از دست داده است.

## تگگرام

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## به پارلمان اروپا

روز ۲۴ ماه مه، متن قطعنامه‌ای انتشار یافت که توسط ۳۰ تن از ۱۸۸ نماینده پارلمان اروپا امضا شده بود. در این قطعنامه جنایات و سرکوبگری های رژیم خمینی بشدت محکوم شد، اما در کمال تعجب در بخشی از این قطعنامه شورای ملی مقاومت و رهبر آن مسعود رجوی بعنوان نماینده ایران به جای رژیم جمهوری اسلامی پیشنهاد شده است.

این بخش از متن قطعنامه اعتراض گسترده نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی را برانگیخت و بعنوان دخالت آشکار در امور داخلی مردم ایران تلقیح گردید. کمیته مرکزی سازمان ما در همین رابطه تگگرام اعتراضیه زیر را خطاب به پارلمان اروپا ارسال کرد.

ریاست محترم پارلمان اروپا آقای لرد پلمپ

را در اختیار داشته باشد.

احتراما مطابق اطلاعات منتشر شده از جانب برخی محافل ایرانی وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران، ظاهراً پارلمان اروپا تصویب کرده است که نمایندگی کشور ما در سازمان ملل متحد در اختیار "شورای مقاومت ایران" قرار گیرد. قطع نظر از موضع ما در قبال رژیم حاکم بر ایران و مبارزه پیگیرانه ما برای سرنگونی آن، برای هیچ ایرانی شرافتمندی این پذیرفته نیست که پارلمان اروپا برای مردم کشورمان نمایندگی تعیین کند و دور از اراده و نظر واقعی مردم ایران پیشنهاد دهد و حتی تصمیم بگیرد که کرسی ایران در سازمان ملل باید در اختیار چه کسانی قرار گیرد. این تنها و تنها مردم ایران هستند که حق دارند تصمیم بگیرند که کدام دولت را انتخاب کنند و تنها چنین دولتی حق دارد تصمیم بگیرد که کرسی نمایندگی ایران

## ارعاب و هتاکي به شخصیت‌ها و گروههای سیاسی اپوزیسیون محکوم است

مایه تاسف و تأثر است که مجاهدین خلق روش ستیزه جوئی و خصومت و تهدید و ارعاب علیه این نیروها را پیش می‌برند. از نظر ما توسل به روش های سرکوبگرانه در برابر منتقدان و مخالفان سیاسی محکوم است و آثار آفویات تیغ می‌نمایم. بنظر ما نیروهای ترقیخواه کشور علیه اختلافات مسلکی و سیاسی و تفاوت در اشکال مبارزه شان علیه استبداد مذهبی حاکم بر کشور می‌توانند و باید مناسبات مبتنی بر همکاری و همگامی با یكدیگر را تمکیم ببخشند. ما از همه نیروها تشکر در راه استقرار رژیم سیاسی دموکراتیک در ایران مبارزه می‌کنند دعوت می‌کنیم بجای ستیزه و ارعاب و پراکندن تخم خصومت و تفرقه، با رو آوردن به روش دموکراتیک مذاکره و تبادل نظر، روح نگاهم را بر مناسباتمان حاکم کنیم و جو اتحاد عمل رزمجویانه را بر صوفمان مسلط سازیم.

با خبر شدیم هدهای از وابستگان سازمان مجاهدین خلق، اخیراً روش سنتی فحاشی و اهانات به منتقدان سیاسی را تکامل داده و مبادرت به برهم زدن جلسات سخنرانی شخصیت های سیاسی اپوزیسیون ایران در شهر کارلسروه آلمان قریبی، ارقاب سخنرانان و حتی ضرب و شتم مدعوین جلسات سخنرانی نموده‌اند. دهها تن از شخصیت های سیاسی اپوزیسیون متعین خارج طی اطلاعیه‌ای یورش به آزادی قلم، آزادی بیان و آزادی اجتماعات هموطنان ما در خارج کشور توسط وابستگان سازمان مجاهدین خلق را محکوم کرده و خواستار اعتراض همگانی به آن شده‌اند.

در شرایطی که مبارزه علیه رژیم ترور و اختناق حاکم بر کشور و قلبه بر مغزیت استبداد مذهبی، همکاری و همگامی همه نیروهای ترقیخواه و صلح طلب و آزادیخواه کشور را به یک نیاز عاجل و حیاتی مبدل ساخته است، همیقا

بقیه از صفحه ۱۴

## رنج زندگی...

گردن کج کن، جلو تعمیرکار گردن کج کن، جلو مسافر گردن کج کن، آخرش هم هیچی... مرگ تدریجیه... من بودم، می‌گفتم سر خودمو میدم بهتون، جایزه رو بدید به اهل و عیال، هم اوناراحت بشن و هم من.

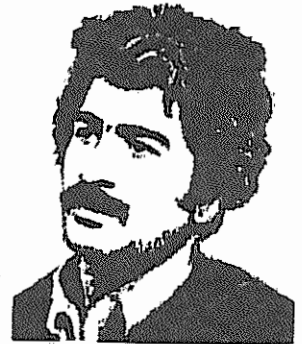
هر نهایش به قدری متاثر کننده است که در تاکسی سکوت برقرار می‌شود. بدون شک هر کسی این صحبت‌ها را باز زندگی

خود مقایسه می‌کند. درد همگانی است. کسانی هم هستند که تا دیر وقت شب، در باز گشت به خانه شتابی ندارند، با شانه‌هایی فرو آویخته، رنگی پریده، موهای ژولیده و قیافه‌ای فمزه، صورت و بردبار در کنار خیابانها منتظر اتوبوس‌اند و یا در پیاده‌روها، ویلان و سرگردان خسته‌تر از دیگران اند و آندوه در حق چشمانشان موج می‌زنند... خسته تراند اما در بازگشت به خانه تعجیلی ندارند... اینجا بیگاران مستند و بیگاری در جهنم خمینی یعنی فجع ترین شکل مرگ تدریجی.

کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۳۰ ماه مه ۱۹۸۹



۳۱ خرداد، هشتمین سالگرد  
تیرباران شاعر و هنرمند انقلابی  
فدائشی خلق سعید سلطانیپور



با کشورم

چهره رفته است

با کشورم چه رفته است  
با کشورم چه رفته است  
که زندان ها  
از شبنم و شقایق سرشارند  
و باز ماندگان شهیدان  
انبوه ابرهای پریشان سوگوار  
در سوگ لاله های سوخته می بارند  
با کشورم چه رفته است  
که گلها هنوز سوگوارند

.....  
چشم صورت مردان  
دیری ست  
در پرده های اشک نشسته ست  
دیری ست قلب عشق  
در گوشه های بند شکسته است  
چندان ز تنگنای قفس خواندیم  
کز پاره های زخم گلو بسته ست  
ای دست انقلاب  
مشت درشت مردم  
گلبشت آفتاب  
با کشورم چه رفته است

سعید سلطانیپور

★ بنیاد رفیق حمید اشرف و همزمان

۸ تیر

روز شهیدان فدایی را

گرامی بداریم



جان شیدای جلیل در راه عشق به مردم

جلیل گفته بود که "تا من هستم نمی گذارم روی  
آزادی را ببینی."

پرنده همچنان بی حرکت روی سیم های خاردار  
نشسته بود، انگار می خواست آزادی خود را به رخ  
زندانیها بکشد. اما آنها بی اعتنا خود را به دست  
خاطرات جلیل سپرده بودند. سال سیاه ۶۷ بود و  
هیات سه نفره به دستور خمینی تشکیل شد تا  
گلهای سرسبز مردم را برپیر کنند. شهر یور جلیل را  
بار دیگر به محکمه کشیدند. اعضای محکمه آخوند  
نیری (حاکم شرع)، اشرافی و دادستان کرج بودند  
که حکم اعدامی دسته جمعی گوهر دشت را امضا  
میکردند. جلیل در مقابل این سوال نیری که پرسیده  
بود "مذهب شما چیست؟" گفته بود: "من گاری به  
مسائل مذهبی ندارم. من با شما اختلاف سیاسی دارم  
و نه جنگ مذهبی." تمام تلاش هیات سه نفره این بود  
که جلیل را به موضع گیری در قبال مذهب بکشاند. اما  
او آگاهانه بر مواضع درست خویش پای فشرد. حکم  
اعدام نگرش اما شکنجه روزانه و دراز مدت برای  
و اداری کردنش به توبه و خواندن نماز شروع شد. هر  
روز او را به تخت شلاق می بستند و وحشیانه با کابل  
شکنجه اش میکردند. روزهایی میشد که او را بیعوض  
به سلول می آوردند. جلادان چنان حرصه را بر جلیل  
تنگ کردند که او با همه عشقی که به زندگی داشت،  
جان شیدایش را کشت.

وقت هواخوری پایان گرفته بود. زندانیها آرام با  
یاد جلیل به سلولهایشان میرفتند. آخرین زندانی  
لحظه ای در آستانه بند ایستاد و به بالای دیوار حیاط  
روی سیم های خاردار چشم دوخت. پرنده روی سیم  
های خاردار نبود. بر بستر آسمان در پرواز بود.  
زندانی با خود زیر لب زمزمه کرد:  
شب که میآید و میکوبد پشت در را  
من به خود میگویی:  
ما همین فردا کاری خواهیم کرد  
کاری کارستان

وقت هواخوری بود. زندانیها در محوطه حیاط  
آرام قدم می زدند. هیچ کلامی بین آنها رد و بدل نمی  
شد. قمری رنگ پریده ای که روی سیم های خاردار  
بالای دیوار جا خوش کرده بود گهگاه آوازی سر می  
داد و سکوت را می شکست. اگر پرنده خبر را می  
دانست آنطور آسوده خاطر روی سیم های خاردار  
نمی نشست. زندانیها گنج و منگ بودند. همین یک  
ساعت پیش بود که ناظرین جلاد مرده کشان وارد بند  
شد و گفت: "جلیل شما هم که خودش را راحت کرد  
و کار ما را آسان. توی دستشویی با شیشه شکمش را  
پاره کرد. شما هم اگر مایلید برایتان طناب بیاورم تا  
خوبتان را دار بزنید."

زندانیها جلیل شهجازی را می شناختند. توی همین  
محوطه بارها با هم قدم زده بودند ولی حال دیگر جای  
جلیل توی حیاط خالی بود.

جلیل هنوز گروه روزه بود که قبل از انقلاب با همت  
رفقای شهید محمد حسن دیانک شوری (منصور)،  
خلیل هوشیاری و چند رفیق دیگر تشکیل شده بود.  
این گروه که یکی از قویترین گروه های هوادار  
سازمان به شمار میرفت در میان زحمتکشان جوانیه  
و خاک سفیداز وجهه و اعتبار والایی برخوردار بود.  
همین گروه بود که در جریان انقلاب بیشترین  
رشادتها را در تسخیر پادگانها، سازماندهی  
تظاهرات توده ای و سنگربندیهای خیابانی از خود  
نشان داد.

زندانیها هر کدام زندگی سیاسی و برخوردارهای  
جلیل را در زندان از نظر می گذرانند. جلیل سال ۵۸  
در رابطه با جابجایی سلاحهای سازمانی دستگیر و به  
۶ سال زندان محکوم گردید. سال ۶۴ محکومیتش  
پایان گرفت اما آزادی نکرده. بار دیگر به دادگاه  
رفت و این بار به جرم تحریک زندانیان و فعالیت  
تشکیلاتی در داخل زندان به ۸ سال حبس محکوم شد.  
حاج داوود شکنجه گر معروف قزل حصار بارها به

بنیاد "بندی"

سازمانده و سندیکالیست

"بندی، چند سال برایت بریدند؟" در زندان "بندی" صدایش می زدند. رژیم  
شاه او را به حبس ابد محکوم کرد. اتهامش هضویت در "گروه ستاره سرخ" بود که  
در سال ۵۵ بعنوان یک گروه مسلح هوادار سازمان چریک های فدایی خلق تشکیل  
شده بود. در یک خانواده شریف و زحمتکش بدنیا آمد و کودکی خود را در محله های  
گذرانده که پدرها از بام تا شام در رنج و کار بودند و مادران در خانه در انتظار سیر  
کردن بچه هایی که همیشه گرسنه بودند. در دوران دبیرستان بود که با مبارزه  
سیاسی آشنا شد. در حرکت اعتراضی مردم بر علیه گرانی بلیط اتوبوس فعالانه  
شرکت داشت. سالهای زندان بود و شکنجه و توهین و پایمردی و پایداری "بندی"  
با آن سیمای نجیب و همیشه مهربانش. اما دیری نپایید که دریای طوفانی توده ها را  
موجی در گرفت که تمامی هیبت خوف انگیز اوین را فرو ریخت و او را نیز از بند  
رهانید. روزهای قیام بود و "بندی" همراه توده ها در جوش و خروش او در تسخیر  
پادگانهای حشمیه، عشرت آباد و... نقش بزرگی داشت و از خود رشادتها نشان داد.

رژیم سقوط کرد و تازه آفاق راهی بود دشوار که "بندی" مصمم بود در سنگر  
سازمان خودتاپای جان آنرا طی کند.

"بندی، از سندیکا چه خبر؟" در محیط کارش هم او را "بندی" صدای می زدند.  
کارگر خیاط بود و سازمانده سندیکاهای کارگری صنوف تهران. مسئولیت اصناف  
تهران در سازمان را به عهده داشت و مسئول نشریه کارگری "اول ماه مه" ارگان  
سندیکاهای کارگران خیاط کفاش و بافنده سوزنی تهران بود. یک لحظه آرام و قرار  
نداشت. همه وجودش را وقت سازماندهی و تشکیل کارگران صنوف کرده بود. او هیچ  
سودایی جز بهر روزی مردم زحمتکش در سر نداشت.

سالهای دشوار مبارزه مخفی در راه بود. یورش رژیم جمهوری اسلامی به  
سازمان آغاز شده بود. از سال ۶۲ در تشکیلات مخفی همه انرژی و توانش را بخدمت  
گرفت و به مبارزه اش ادامه داد. همچنان در سازمانگری جنبش کارگری در صنوف  
تهران فعال بود. در سال ۶۵ "بندی" دوباره دستگیر شد. بار دیگر اوین. دوباره  
شلاق و توهین و باز پایمردی تاپای جان. و در پائیز ۶۷، در جنون و وحشیانه رژیم،  
قلب مهربان و شیفته اش از تپیدن باز ایستاد. نام: بند هلی، نام خانوادگی: مرادیپور  
دوشانلو، متولد: ۱۳۲۹. اما او شناسنامه دیگری نیز دارد که نامش "بندی" و  
شهرتش فدایی خلق است. متولد ۱۹ بهمن ۱۳۴۹.  
یادش جاودان

پیرامون سفر...

مواضع مشترک و یا مشابه در بسیاری از مسایل فنیابین و منطقه ای و جهانی تاکید شده است؛ بهبود روابط دو طرف بر پایه اصول برابری، حفظ استقلال همه جانبه، احترام متقابل و حق حاکمیت و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور یکدیگر، موضوع حل و فصل نهایی مسئله ایران و عراق از طریق شمربخشی مذاکرات ایران و عراق برپایه تصطنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و پشتیبانی از تلاشهای صلح طلبانه دبیر کل آن و ضرورت احترام نسبت به نرم ها و قواعد بین المللی از مسایل مهمی بوده که طرفین مشترکاً در طی مذاکرات خود بر آن تاکید داشتند، دو طرف حمایت خود را از افغانستان با هجیت اسلامی، مستقل، بی طرف و غیر متعهد است با همسایگان روابط دوستانه داشته باشد اعلام نمودند.

حمایت از مبارزات برحق مردم فلسطین و محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم اسرائیل، اخراج نیروهای اشغالگر از جنوب لبنان و تأمین اهوال اراده سیاسی مردم آن کشور برای تعیین سرنوشت خود، محکوم کردن نژاد پرستی و آپارتاید، دفاع از مبارزات مردم نامیبیا و آفریقای جنوبی و تاکید بر تقویت سازمان ملل متحد در حل و فصل مناقشات مشترک اعلام شده بوده است.

اتفاق نامه همکاری های بلند مدت اقتصادی، بازرگانی در چارچوب روابط فعال دو کشور، رسته اقتصادی ملی از جمله علم، تکنیک، مالی، انرژی، کالاهای اساسی، گاز، حمل و نقل، مامیگیری و کشاورزی و... را شامل می شود. میخائیل گارباچف رهبر شوروی در دیدار پایانی، ضمن تاکید بر جهات مشترک توافقات مذکور یادآور گردید باید دست بکار شویم تا هر آنچه را که در مذاکرات و اسناد خود به توافق رسیده ایم، صورت واقعی و عملی به خود گیرد. مهم آنست که این همکاریها و توافقات و مواضع مشترک در خدمت منافع مردم دو کشور، منطقه و جهان قرار گیرد.

برای سالها شوروی سئزنی یک رکن برجسته سیاست خارجی رژیم نفا بوده است. مناسبات رژیم جمهوری اسلامی با اتحاد شوروی طی ۱۵ سال بعد از انقلاب در بسیاری مطالع از طرف رژیم ایران تیره و حتی خصمانه نگاه داشته شده بود، این روابط اکنون با دیدار اخیر رفسنجانی از اتحاد شوروی به مرحله کیفیتا جدیدی در جهت بهبود و گسترش وارد می شود، از طرفی نیازهای واقعی وضعیت کنونی جامعه و رژیم و همچنین منطقه ضرورت بازبینی و اصلاح سیاست خارجی جمهوری اسلامی برای مقامات رژیم در رابطه با اتحاد شوروی الزام آور ساخته است و از طرف دیگر تغییر ریشه ای در سیاست خارجی اتحاد شوروی به این کشور اجازه داده است برای گسترش مناسبات با کشورهای مختلف دارای نظام های گوناگون و از جمله در رابطه با ایران زمین ها و امکانات تازه تری را فراهم آورد.

مقدمات سفر رفسنجانی و آغاز گسترش روابط بین رژیم و اتحاد شوروی از قبل از مرگ خمینی (و بعضاً با توصیه وی) تدارک شده بود، طی سال گذشته وزرای امور خارجه دو کشور چهار بار با هم دیدار و گفتگو داشته اند. رژیم پایایی سیاست گسترش رابطه با غرب و دیگر کشورها که تاکنون رفسنجانی چهره شاخص آن بوده است، برای تأمین بسیاری از نیازها و چاره جویی مشکلات خود به گسترش و تجدید رابطه با شرق دست زده است. دیدار خامنه ای رئیس جمهور از چین و کره شمالی و دیدار اخیر رفسنجانی از اتحاد شوروی که نخستین دیدار در

بقیه از صفحه اول

سطح عالی از بعد از انقلاب بین دو کشور است را باید در همین راستا ارزیابی نمود.

در تحلیل هلال تغییر مواضع جمهوری اسلامی در قبال کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی واقعیت های زیر مورد توجه قرار می گیرد:

اولا ایران و اتحاد شوروی دو کشور همسایه با مرز مشترک طولانی هستند و برقراری مناسبات میان دو کشور بر اساس حسن همجواری، عدم مداخله و احترام متقابل و همکاری های سودمند برای طرفین، همواره یک نیاز واقعی دو کشور در راستای حفظ صلح و امنیت منطقه و جهان محسوب شده است. پی ریزی مناسبات میان دو کشور بر اساس اصول فوق در دوران های مختلف مورد تأیید طیف وسیع گرایشات سیاسی مختلف و حتی متضاد اما واقع بین کشور ما قرار داشته است. از این نظر تغییر و تعدیل موضع گیری جمهوری اسلامی نسبت به اتحاد شوروی از حالت خصمانه و پرخاشگرانه به حالت هادی، تحولی طبیعی و منطقی است که لزوماً دیرتر یا زودتر انکشاف می یابد. علاوه بر زمینه های همکاریهای اقتصادی متقابلاً مفید بین دو کشور گسترده است و این امر از چشم سرمایه داری ایران، بویژه اقشار میانی و پائینی آن هیچگاه پنهان نمانده است.

ثانیاً در مواضع حکومت ایران نسبت به غرب پس از سرنوشت رژیم شاه، تغییرات عمده رخ داد. حکومت ایران از یک متحد نزدیک و قابل اعتماد آمریکا، انگلستان و دیگر کشورهای بزرگ سرمایه داری به یک قدرت ستیزه جو و غیر قابل اتکاء تبدیل شد. روابط ایران با غرب در سالهای قبل و بعد از انقلاب به هیچوجه قابل قیاس نیست. مناسبات جمهوری اسلامی با آمریکا حالت تقابل آمیز و خصمانه داشت و در رابطه با دیگر کشورهای غربی هم از برخی ماجراجویی ها و خالی بود. چنین مناسباتی غیر قابل تداوم و بیرون آینده است. رژیم جمهوری اسلامی سرانجام در برابر این واقعیت قرار می گیرد که مناسبات فوق را تغییر دهد و آن را بر پایه نرم های شناخته شده بین المللی استوار سازد. با این حال تصویری رود مناسبات ایران با غرب در آینده قابل پیش بینی در کادر مناسبات رژیم شاه با غرب قابل توضیح باشد. این پیش بینی بیشتر از ترکیب نیروهای اجتماعی که رژیم بر آنها متکی است، ریشه می گیرد. چنین نیروهایی خواهان آنند که با غرب و نیز با شرق مناسبات اقتصادی و سیاسی استوار گردد بی آنکه این مناسبات استقلال عمل آنها را مورد تعدیل قرار دهد و یا موقعیت اجتماعی شان را به مخاطره اندازد.

از این رو سران رژیم تحت تأثیر تمایلاتی که در تکیه گاه اجتماعی رژیم وجود دارد و تحت تأثیر الزامات مناسبات بین المللی در جهان معاصر به نظر میرسد که در چشم اندازهای آتی راهی نه چندان هموار به سوی تعدیل سیاست خارجی خود هم در رابطه با شرق و هم در رابطه با غرب را مورد توجه قرار دهند. منتظر این تغییر نه تنها قابل درک بلکه از جانب تمام محافل حاکم در اکثر کشورها مدتها انتظار کشیده شده است. نکته مرکزی در سیاست رژیم آنست که بکوشد هر نوع گام در جهت بهبود مناسبات با شرق را وسیله کسب امتیاز از غرب و نوع رابطه با غرب را وسیله تقویت مواضع خود در مناسبات با شرق قرار دهد. ارزیابی ماینتس که باند رفسنجانی - خامنه ای با تثبیت موقعیت خود در راس رژیم راه بهبود همه جانبه و گسترش مناسبات با غرب را همچنان درپیش خواهند گرفت. زمان برای تدویم عناصر ماجراجویانه در سیاست های گذشته به پایان خود نزدیک می شود. آنها ناچار به چنین چرخشی هستند. اینکه شروع چرخش از بهبود با شرق آغاز شده است، اکنون قابل درک تر از گذشته است.

جمهوری اسلامی با توجه به کشاکشهای حاد درونی بویژه با پيروان آیت الله منتظری و جریانات تندرو و ماجراجویی که در تار و پود رژیم نفوذ وسیع دارند، نمی توانست کار تغییر موضع گیری های خود را از شت شروع کند. عدم توجه به خود وضع ممکن بود برای رفسنجانی - خامنه ای بسیار گران تمام شود.

در تحلیل مواضع اتحاد شوروی در زمینه گسترش مناسبات با ایران نیز باید واقعیت های زیر مورد توجه قرار گیرد:

اولا اتحاد شوروی در تمام دوران پس از انقلاب اکثراً از منشی دیپلماتیک ثابتی در برخورد با ایران پیروی کرده است. این کشور به سود منافع خود و مجموعه بلوک نیروهای ترقیخواه در منطقه و جهان میدانسته است که با همسایگانش روابط حسن همجواری و همزیستی صلح آمیز و همکاریهای اقتصادی گسترده داشته باشد. بهبودی نیست که م. گارباچف نیز تاکید می کند اتحاد شوروی از هر گام ایران به سوی بسط مناسبات و همکاریها تا هر حدی که ایران بخواهد، استقبال می کند.

ثانیاً اتحاد شوروی نظر به نقش و موقعیت بسیار حساس ایران و بویژه نظر به نوع مناسبات ایران با غرب و نظر به منافع اتحاد شوروی در رفع تشنج در مناسبات ایران و افغانستان و ایران و عراق برای بهبود مناسبات با ایران اهمیت درجه عالی قائل است. نزدیکی مواضع ایران و اتحاد شوروی پیرامون مسائل منطقه ای، نظر به وضعیت مناسبات ایران با غرب خود به معنای یک تغییر جدی در اوضاع منطقه بطور کلی است. این تحول مایه نگرانی شدید آمریکا و متحدین نزدیک آنست. اتحاد شوروی از بهبود مناسبات با ایران قبل از هر چیز مسأله تر شدن شرط برای حل و فصل مسائل پیرامون افغانستان، رفع زمینه های خصومت میان ایران و عراق، همکاری نیروها در برخورد با مسئله فلسطین و دیگر مسائل حاد منطقه ای را جستجو می کند. این تلاش با منافع مردم و مصالح ملی مادر ساز گاری کامل قرار دارد و در شمار اهدافی است که سازمان ما نیز در راه آن پیگیرانه مبارزه کرده است.

برای اظهار نظر قطعی درباره تعهدات پذیرفته شده سیاسی و اقتصادی از جانب طرفین ایران باید قطعه منتظر روزهای آینده ماند تا اطلاعات بیشتری درباره نتایج مذاکرات انتشار یابد.

در محافل ابوزیسیون رژیم ارزیابی ها و اظهار نظرها ی مختلفی درباره بهبود مناسبات ایران و شوروی به چشم می خورد. برخی از این اظهار نظر ها با ارزیابی و نظر سازمان ما آنگونه که در فوق شرح شده است، تفاوت دارد. اینگونه اظهار نظر ها معمولاً دو علت متفاوت دارد. برخی از نیروها، از جمله محافل سلطنت طلب در برابر بهبود مناسبات جمهوری اسلامی با شوروی و تأثیرات منطقه ای آن واکنش بسیار تندی از خود نشان داده اند. آنها این تحول را بسیار خطرناک ارزیابی می کنند و در مقابل نگرانی فوق العاده ای از خود بروز می دهند. اولاً تبلیغات آنها پیرامون میزان تکیه و حد گسترش رابطه رژیم با شوروی و بالعکس حتی در مقایسه با نظرات خود قرب بسیار غیر واقعی است. آنها به سود خود می بینند رژیم ایران را آنچه هست به شوروی نزدیک تر نشان دهند. اما همیشه اینطور کرده اند. ثانیاً آنها می کوشند بدین وسیله خود را به محافل وابسته به امپریالیسم بمانه یگانه نیروی ایرانی مورد اعتماد شناسانند و حمایت بیشتری را جلب کنند. در اظهار نظر اینگونه نیروها منافع ملی ایران در منطقه و جهان کمتر در مرکز توجه است. برخی دیگر نه به دلیل وابستگی یا به محافل وابسته به اطلاعات امپریالیستی بلکه به دلیل ارزیابی غلط و ذهنی از شرایط سیاسی کشور از نزدیکی مواضع

ایران و شوروی در برخورد با مسائل منطقه ایران نگرانی می کنند. این ایران نگرانی ها مبتنی بر این ارزیابی است که رژیم جمهوری اسلامی در حال سقوط است و از آن فقط بقایایی پاتی مانده است. آنها خواهان قطع ارتباط سایر کشورها با ایران هستند و این را عامل مهمی در سقوط رژیم می شمارند. اما در صورتی که روند واقعی عکس این خواسته است، فعلاً تا سرنگونی هنوز راه معینی است که باید پیموده شود، راهی که مهمترین جز آن تکوین اکثریت است. هم سران رژیم و هم سران تمام یا اکثریت نزدیک به تمام کشورها خواهان برقراری مناسبات هادی با همدیگر هستند یا دست کم این تمایل زمینه ر شدنی یابد.

موضع سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در قبال مواضع سایر کشورها در برقراری مناسبات با رژیم ایران و در برخورد با مواضع رژیم در سیاست خارجی کاملاً روشن است. ما پشتیبان بسط مناسبات برابر حقوق سیاسی و اقتصادی بوده و بویژه هرگز مخالف حسن همجواری و همکاریهای ثمر بخش با همسایگان خویش نبوده و نیستیم. ایران و طرف مقابل نیز چه امروز و چه فردا به این مناسبات نیازمند است. اما آنچه مورد نظر و تاکید ماست، آنست که:

۱- نه اتحاد شوروی ونه هر کشور دیگری در بسط مناسبات با جمهوری اسلامی حق ندارد و نباید نقض حقوق بشر و آزادیهای فردی و اجتماعی در ایران را نادیده بگیرد و به خواست و نظر همه نیروهای ترقیخواه کشور دائر بر دست کم انعکاس این خواسته بحق مردم ایران در کشور خود و در مذاکرات عمل نکند.

۲- سازمان ما قبل از سفر رفسنجانی این خواسته را به صراحت از رهبری اتحاد شوروی طلب کرده بود. ما از عدم توجه به این مطالبه مشروع مردم ایران متأسفیم.

۳- مردم اتحاد شوروی ونیز سایر کشورها نیز دارند شناخت درستی از دولتی که طرف مذاکره اتحاد شوروی قرار گرفته است داشته باشند. یادست کم چیزی مغایر واقعیت نشوند. اظهاراتی از این دست که گویا ایران در راه توسعه انقلابی گام گذاشته است، به اعتماد مردم، بویژه مردم ایران، به اهداف واقعی مذاکرات و بسط مناسبات کمک نمی کند. روشن است که ما با چنین ارزیابی به هیچ وجه موافق نیستیم. سران جمهوری اسلامی طی حاکمیت دهساله خود در راه ویرانگری کشور اقدام برداشته اند.

۴- رژیم ایران همچنان سودای توسعه طلبی اسلامی در سر دارد. ماجراجویی هنوز در این رژیم پیگانه مستحکمی دارد. رژیم ایران مطالع تسلیماتی بزرگ در سردارد و حتی آماده است برای پذیرد. ما از همه کشورها، بویژه کشورهای سوسیالیستی انتظار داریم که در برابر این مطالع ایران با واقع بینی برخورد کنند. چیزی که در سفر اخیر رفسنجانی تا حد قابل ملاحظه ای قابل لمس بود.

۵- بالاخره اینکه سیاست اصولی سازمان ما در برخورد با رژیم جمهوری اسلامی بر پایه مامیت ضد دیکراتیک استبدادی و سرکوبگرانه آن استوار است. سیاست ما در قبال رژیم سرکوبگر و استبدادی جمهوری اسلامی را نحوه برخورد آن با دموکراسی و مردم تعیین می کند. سیاست خارجی رژیم چه مثبت، چه منفی گرچه فوق العاده مهم است اما نه مامیت رژیم را تغییر می دهد و نه قادر است منشی غا را نسبت به رژیم دگرگون سازد. این بار باید کوشید از نقش عامل فشار بین المللی که رو به افزایش است در جهت واداشتن بیشتر جمهوری اسلامی به عقب نشینی در برابر مردم در راستای سرنوشتی آن بیش از پیش بهره گرفت.

کنگره

نمایندگان خلق اتحاد شوروی

روز ۴ خرداد نخستین کنگره نمایندگان خلق اتحاد شوروی آغاز به کار کرد و مدت ۱۴ روز به کار خود ادامه داد. انتخاب این نمایندگان در سراسر اتحاد شوروی در ماه های فروردین و اردیبهشت صورت گرفته بود. در این دوره انتخابات برخلاف گذشته، بیش از یک نفر از هر حوزه انتخاباتی نامزد نمایندگی شده بودند. مبارزه انتخاباتی با شرکت گسترده مردم، شور فراوان و بحثهای داغ پیرامون شخصیت و برنامه خابندگان از ویژگیهای این دوره و ماه ۲۲۴۹ نماینده در سراسر کشور انتخاب و وانه کنگره شدند.

کنگره نمایندگان خلق، انتخاب صدر شورای عالی اتحاد شوروی و انتخاب ترکیب نمایندگان در مجلس شوراهای خلق و شوراهای اتحاد و همچنین بحث و بررسی گزارش رئیس شورای عالی اتحاد شوروی درباره سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی گزارش رئیس شورای وزیران درباره برنامه آتی فعالیت دولت را در دستور داشت. برای اولین بار در تاریخ اتحاد شوروی نمایندگان کنگره فرصت یافتند از ریویون کنگره و همزمان از طریق پخش مستقیم جریان مذاکرات از تلویزیون ر. م. تیاس سراسر کشور درباره مسایل مختلف اظهار نظر و اعلام موضع کنند. کنگره هرصه ارائه آزادانه، آشکار و نجاهت نظرات نمایندگان پیرامون مسایل مهم کشور بود. در فاصله کنگره بزاران نامه و تلگرام از جانب مردم شوروی برای نمایندگان منتخب، و حیسیونهای ویژه آن در دفاع، اظهار ظرویار مطالب و موضعگیری ها ارسال میشد. نمایندگان در فواصل اجلاس که در سکو جریان داشت، در میتینگ های مردم شرکت و از نزدیک با همکس العملهای نها پیرامون مباحث مطرحه آشنا می دند در فواصل روزهای تعطیلی کنگره سیاری از نمایندگان به مناطق محل نتخاب در جمهوری های شوروی سافرت می کردند و با برگزاری پنجاهات و صحبت های رو در رو از رزایی ما و برداشت های موکلین بودمطلع می شدند. در محل های کار و حصیل در خانواده ها و مناطق مسکونی مومی همگی جریان کنگره را دنبال می رددند.

در کنگره بحث داغ و بازی روی اقدام و پست دبیر کلی کمیته مرکزی حزب و در شورای عالی در گرفت. پس از آنکه نگره پذیرفت در شرایط کنونی جامعه بوروی، پروسه رفرم های سیاسی، روند نیکه وظایف حزب بهتاثیر پیشامنگ امهه و آزاد کردن آن از امور دولتی و تصادی و شکل گیری کامل دولت حقوقی و سیالیستی، روندی است که تازه آغاز ده است و انجام همین کارها بدون تکیه حزب در این لحظات خوب پیش نخواهد نت. میخائیل گارباچف با ۲۱۲۳ رأی یعنی ۹۵/۶٪ (۹۵٪) به این مقام برگزیده د. پیشنهاده تشکیل فراکسیون بحث پر بجان و دافی را دامن زد. پس از اظهار

نظرهای گوناگون روی این مسئله، پیشنهاده دهندگان پذیرفتند که "تازمانی که حتی ذره ای امکان برای کار مشترک وجود دارد باید با هم کار کنند". به هنگام بررسی گزارش سمت های اساسی سیاست داخلی و خارجی، بیشتر بحث ها روی مسایل داخلی متمرکز بود. در گزارش گارباچف و نیز در سخنرانی های پیرامون آن، وضعیت بحرانی که از سالهای ۸۰ بسیاری از هرسه های زندگی را در بر گرفته است مورد بررسی قرار گرت. نمایندگان از کمبود کالاهای مصرفی گرفته تا در باره هزینه های نظامی که مقدار مهتابهی از بودجه کشور را به خود اختصاص داده است و اشکال مالکیت اجتماعی و ناکامی های برنامه ۵ ساله، عدم دخالت و تفکیک وظایف حزبی و دولتی، حضور چندساله نیروهای نظامی شوروی در افغانستان، مسایل ملی در گرجستان، جمهوری های کرانه بالتیک ارمنستان و آذربایجان و ازبکستان و... به بحث و بررسی و ارزیابی و اظهار نظر و انتقاد پرداختند.

کنگره در روند کار خویش کمیسیون هایی برای بررسی تعدادی از مسایل مهم مطرحه از جمله "بررسی قانون اساسی"، "بررسی تراژدی ۱۹ آوریل گرجستان"، رسیدگی به مسئله بازرسان پرونده رشوه خواریهی کلان در ازبکستان و بررسی معاهده مولوتف - روبین تروپ در ۱۹۳۹ تشکیل داد.

کنگره در آخرین روز کارش، کلیات گزارش "درباره اساسی ترین سمت گیریهای سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی" را تصویب کرد. کنگره خلقها با استماع گزارش های فوق الذکر اعلام کرد: که کشور لحظه فوق العاده حساسی از تاریخ خود را از سر می گذراند که سرنوشت نو سازی و آینده همین کشور الهه شوروی وابسته به آن است. نو سازی عمیق تمام هرسه های حیات جامعه شوروی که به ابتکار حزب آغاز شده عمده دار است که کشور از بحران بسیار جدی که از اوایل دهه ۸۰ بدان گرفتار شده بدر آورد و به سوسیالیسم سیمای امروزی بخشود و در برابر جامعه شوروی افتخاری نوین پیشرفت اجتماعی را بگشاید. کنگره با الهام از اراده خلق خواهان پیشروی بلا انحراف در راه نو سازی است... در همین حال کنگره تاکید دارد که روند نو سازی به گونه ای دشوار و متضاد تحقق می پذیرد. وضعیت کشور همچنان بفرج و وخیم است، کشور هنوز از بحران خارج نشده است. نو سازی حیات اجتماعی با جان سختی ساختار و شیوه های کهنه کار و الگوهای منسوخ تفکر روبروست. از یک سو باید مقاومت نیروهای محافظه کار را درهم شکست و از سوی دیگر روحیات رادیکالی سر بلند می کنند و توقعاتی مطرح میشوند که بدون در نظر گرفتن شرایط عینی خواهان حل تمامی مسایل با یک خیز هستند. کنگره نمایندگان خلق اتحاد شوروی اعلام میدارد که خلق شوروی، طبقه کارگر، دهقانان و روشنفکران، همه اقشار

بقیه در صفحه ۱۵

وقتی در انجام اصلاحات سیاسی  
تاخیر می شود

عضو دفتر سیاسی حزب در روزنامه "ژن مین ژیاپائو" مینویسد: "تلاش برای گسترش دموکراسی و ایجاد سیستم حقوقی در کشور پیش خواهد رفت. گفتگو و مشاوره با گروه های اجتماعی مختلف در سطوح گوناگون به حزب و دولت برای بهبود کارشان کمک می کند."

"یوان مو" معاون نخست وزیر و مسئول حکومت نظامی در پاسخ به سوالات خبرنگاران خارجی در این مورد که آیا "ژائو زیانگ" از مقام خود به مطابته دبیر کل کمیته مرکزی حزب کنونیست چنین برکنار شده یا نه، پاسخ میدهد: "ملاقات چندی پیش "دن سیائو پینگ" با فرماندهان ارتش به همه جبهانیان نشان داد که رهبری چین مستحکم است. این واقعیت دارد که برخی از رهبران تراز بالای کشور به خطا از شور شما حمایت کردند. این مسئله را ما به زودی به اطلاع همگان خواهیم رساند." در مورد این امر که آیا "ژائو زیانگ" به دادگاه تسلیم خواهد شد یا نه، وی می گوید: "این مسئله ای درون حزبی است و مطابق با اساستامه حزب در مورد آن تصمیم گیری خواهد شد." "یوان مو" در مورد تظاهرات ماه آوریل دانشجویان معتقد است: "در آغاز این تظاهرات حق طلبانه و خواستهای دانشجویان عادلانه بود. آنها می خواستند که حزب و دولت با فساد و رشوه خواری مبارزه قاطع کند، دموکراسی و سیستم حقوقی در جامعه تحقیر یابد و رفرم ها تعمیم رود. ما هیچگاه توده دانشجویان را شرشی نخواهیم. ولی واقعیت آن است که در میان دانشجویان، عناصر خرابکار نیز بودند. ضدانقلاب و اخلاکر با جنبش دانشجویان در هم آمیخت و شعارهایی برای به زیر کشیدن رهبری حزب بردای دولت با خواسته هایی که در آغاز تظاهرات طرح می شد، برخوردی مثبت خواهد کرد."

پس از این اظهارات روزنامه "ژن مین ژیاپائو" نوشت: "اقتشافات نشان داد که ضعف کار ایدئولوژیک در رهبری سیاسی، دنباله روی کورکورانه از قرب به آثار شپسم منجر می شود. عده ای افراد از این شلوقی ها سو استفاده کردند، توطئه ای پنهانی تدارک دیدند که حزب را به انشعاب بکشاند و به جمهوری سوسیالیستی ما آسیب بزنند. دانشجویان ساده و پاکدل هرگز به چنین پیچیدگی هایی فکر نمی کردند. همانگونه که از اخبار بر می آید، روش رهبران چین در برخورد با تظاهرات برای دموکراسی که در آغاز بر پایه گفتگو و یافتن راه حل مبتنی بود، در روند آتی خود به حوادثی خونین منجر شد. اکنون این نکته که پروسه اصلاحات عمیق و نو سازی در این کشور بزرگ گسسته شود، همه محافل ترقیخواه جهان را نگران کرده است. هلیرهم آنکه اطلاعات در مورد حوادث چین متوز همه جانبه و کافی نیستند ولی باید گفت که درگیریهای خونبار و به دنبال آن موج دستگیریها و احکام اعدام، تاسف همه نیروهای ترقیخواه دنیا را باعث شده است."

"ساعت ۵ صبح روز ۴ ژوئن، عملیات آزاد سازی میدان "تیان آن من" از کسانی که در آن اعتصاب کرده بودند، انجام شد. همه این افراد، میدان را ترک کردند." این متن کوتاه اطلاعیه فرماندهی حکومت نظامی پکن را در روز بعد از آن حوادث خونین، رادیو و تلویزیون کشور، بارها پخش کردند. در هنگام پخش این اطلاعیه خیابانهای شهر از درگیری خونینی حکایت می کرد که در شب قبل رخ داده بود، شیشه های شکسته اتومبیل های شخصی و نظامی، ماشین های به آتش کشیده شده، خون بر کف اسفالت، ستونهای متعدد نظامیان، ماشین های ارتشی پر از سرباز و تانکها در اکثر خیابانهای مرکزی پکن به چشم می خورد. هر جا که جمعیتی گرد هم می آمد، ارتش به پراکندن آنها اقدام می کرد. تا قروب آن روز هم اجبولانس ها زخمیان را جابجا می کردند. حمل و نقل شهری و مترو کار نمی کرد. روزنامه نگاران چینی می گفتند که ۲ هزار نفر کشته و چند هزار نفر زخمی شده اند. مقامات رسمی بعدها اعلام می کردند که در مجموع ۳۰۰ نفر کشته شده اند (که ۲۳ نفر آنها دانشجوی بوده اند)، ۲ هزار غیر نظامی و ۵ هزار نظامی زخمی شده اند. ۴۰۰ نفر از ارتشیان نیز مفقود الاثرند. در بخش شمال قریبی شهر، افراد لشکر ۳۸ با مردم در حال گفتگو هستند. همان شب رهبران این لشکر به دلیل امتناع از اجرای فرمان، دستگیری می شوند. دولت، اتحادیه مستقل دانشجویان پکن را سازمانده و شورش ضدانقلابی می خواند و دستگیری رهبران آن پس از چند روز آغاز می شود. مقامات رسمی مدعی اند که در جریان شورش ضدانقلابی، شعار سرنوشتی دولت داده می شد و برای این کار حتی پریرگاد ضربت "نیز تشکیل شده بود. شورشیان ترکیب جدید حکومت و کسانی که باید دستگیر شوند را تعیین کرده بودند. روزهای بعد ۳ نفر در شانگهای اعدام می شوند و پس از آن برای ۷ نفر دیگر نیز حکم اعدام صادر می شود. مسئولان امنیتی و قضایی اعلام می کنند که بزودی تعداد دیگری نیز به دادگاه سپرده خواهند شد. بر اساس گزارش همین مسئولان حدود ۲۰۰ سلاح گرم و ده ها قلم مهمات جنگی دیگر از شورشیان مصادره شده است.

میدان "تیان آن من" خالی است. سربازان و واحدهای نظامی در خیابانهای اصلی و مراکز مهم شهر همچنان به چشم می خورد. آرامش سنگین در خیابانها، هنوز از اضطراب و تشنج درونی مردم حکایت می کند. دولت پیاپی به مردم و جبهاتی اطمینان می دهد که اوضاع عادی و تحت کنترل است. مردم می خواهند بدانند که چرا حکومت نظامی و چنین درگیری خونینی رخ داد؟ چرا در آغاز رهبران کشور با دانشجویان به گفتگو نشستند و سپس آنها را شورشگر و ضدانقلابی خواندند؟ آیا باز هم روند گفتگو با مردم برای پیشبرد اصلاحات سیاسی که بدون آنها رفرم اقتصادی هم روی کاغذ میماند، پیگیری می شود؟ "یاثوشی"

## میان گذشته و حال

برداشت دانشمندان چینی "لوچون مین" از سرمایه‌داری معاصر و نقطه نظر پرفسور یوری کراسین نسبت به این برداشت بنقل از هفته نامه "اخبار مسکو" شماره ۲۰، ماه مه ۱۹۸۹

### در مرحله سوم

پرفسور لوچون مین  
از مدرسه حزبی جنب کمیته مرکزی حزب  
کمونیست چین

اشاهه این انجمن‌ها از یک سو به تمرکززدایی سرمایه‌داری جدایی سرمایه خصوصی از وسایل تولید و از حق اجیر کردن و استثمار مساهمت می‌کند و از سوی دیگر موجدات گسترش انجمن‌های فراملی و بین‌المللی شدن سرمایه فراهم می‌آورد.

۳) تنظیم کلان مقیاس اقتصاد که تحکیم و تکامل آن هر چه بیشتر در مرکز توجه دولت‌ها قرار می‌گیرد امکان می‌دهد تا نارسایی‌های تنظیم ساده (تنظیم از طریق بازار و انحصار مفرط) تخفیف یابد، هر چه در هر صه تولید کاهش پیدا کند و از شدت بحران‌های اقتصادی کاسته شده و رشد و تکامل پایدار اقتصاد تأمین گردد.

۴) در ساختار طبقاتی تغییراتی روی داده است. اگر ساختار تناسب ثروت‌مندان و تهیدستان جامعه در گذشته شکل هرم داشت، امروز این ساختار به صورت منشور در آمده است. چرا که در حال حاضر شمار ثروت‌مندان و تهیدستان کمتر از شمار کسانی است که درآمد متوسط دارند. کارکنان فکری موقعیت مهمی را در جامعه احراز می‌کنند. دستمزدها واقعی و کمک هزینه‌های سیستم تأمین اجتماعی در قیاس با سال‌های ۵۰ افزایش نشان می‌دهد.

۵) سیاست خارجی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری هم دگرگون شده است. در گذشته، برای استثمار کشورهای در حال رشد و برای استقرار سرکردگی جهانی از زور و همچنین جنگ استفاده می‌شد. امروز برای

پویه اقتصادی و سیاسی جهان و امی‌دارد تا نه تنها به سوسیالیسم، بلکه به سرمایه‌داری معاصر نیز به شیوه‌ای جدید نظر افکنیم. حتی بطور همین باید ابتدا ارزیابی جدیدی از سرمایه‌داری کنونی ارائه داد و سپس به نوسازی آموزش سوسیالیسم پرداخت. استنتاجات ما باید از واقعیت‌های موجود برخیزند و نه از تئوری‌های کتابی. سرمایه‌داری در طول ۳۰۰ سال تاریخ خود از سه مرحله عبور کرده است:

مرحله اول - سرمایه‌داری لیبرال - از لحظه تولد تا پایان قرن ۱۹.

مرحله دوم - امپریالیسم - از پایان قرن ۱۹ تا سال‌های ۵۰ قرن بیستم.

مرحله سوم - سرمایه‌داری اجتماعی - از سال‌های ۵۰ تا زمان حاضر.

#### ویژگی‌های اساسی

تحلیل رشد و تکامل کشورهای پیشرو سرمایه‌داری برخی ویژگی‌های اساسی مرحله اخیر (سرمایه‌داری اجتماعی) را بدست می‌دهد:

۱) سرمایه‌داری از زیر بنای مادی و تکنولوژیک استواری برخوردار است. وجه مشخصه سرمایه‌داری کنونی سطح بی سابقه‌ای از تولید است که حاصل انقلاب جدید علمی - فنی بوده و صفت متمیزه‌اش را اساساً کاربست کامپیوترها، انرژی اتمی و بیو - مهندسی تشکیل می‌دهد. در مقایسه تولید کشورهای اصلی سرمایه‌داری در دوره پس از جنگ با سال‌های ۱۸۹۵ و ۱۹۰۵ (که سالهای رشد شتابان آنها بوده است) دیده می‌شود که تولید چشم‌گرفته است.

۲) سرمایه‌داری همچنین به سطح بالایی از اجتماعی شدن سرمایه دست می‌یابد. اجتماعی شدن سرمایه ناشی از رشد و گسترش همه جایی انجمن‌های سهامی است.

پیام اصلی مقاله پرفسور لوچون مین آن است که سرمایه‌داری معاصر را باید به گونه‌ای جدید نگاه کرد و ارزیابی نوینی از آن ارائه داد. با طرح این گونه مساله که مدتهاست ضرورت یافته است تنها می‌توانم موافقت داشته باشم.

کارل مارکس در زمان خود در بررسی سرمایه‌داری هشدار می‌داد که جامعه بورژوازی "نه بلور سخت، بلکه ارگانیسمی است مستعد دگرگونی که در روند مستمر تبدیل و تبدل قرار دارد". بیانی است بسیار دقیق: سرمایه‌داری ارگانیسم اجتماعی زنده ای است که در طول تاریخ خود دستخوش تغییرات گوناگون و گاهی فوق‌العاده جدی می‌گردد (کافی است گذار از رقابت آزاد به سلطه انحصارات را بیاد آوریم). طبیعی است که نظرات ما در مورد سرمایه‌داری هم باید تغییر شکل دهند.

در ابتدا سراب رمانتیسم انقلابی و سپس بنیادگرایی دگماتیستی سال‌های استالینیسم و رکود مانع از آن بودند که علوم اجتماعی این اصل تاریخ‌گرایی را پیگیرانه رعایت نمایند.

در مقطع سال ۱۹۱۷، سرمایه‌داری دستخوش بحرانی ژرف بود. انقلاب سوسیالیستی اکتبر راستای نوین تاریخ جهانی را گشود. بنظر می‌رسید نظام سرمایه‌داری در حال احتضار است و این نظر در تئوری بحران هموسی سرمایه‌داری بازتاب یافت. این تئوری آغاز دوران نوین تاریخ را بدرستی ثبت می‌نمود، اما در همین حال موجبات آشاه نظریات ساده انگارانه در مورد سرمایه‌داری به‌مثابه مظهر رکود و انحطاط را نیز فراهم می‌آورد. این نظرات بیش از آنکه بر واقعیت

### عاری از اسطوره و توهم

پرفسور یوری کراسین  
رئیس انستیتوی علوم اجتماعی جنب کمیته  
مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

استوار باشند از اسطوره‌های ایدئولوژیک نیرو می‌گرفتند.

نواندیشی طلب می‌کند که به جامعه سرمایه‌داری با چشمان باز بنگریم. اما چه می‌بینیم؟ می‌بینیم که این جامعه در کنار اتاگوئیسم‌های ذاتی خود، از دستاوردهایی در هر صه علمی - فنی، در سیاست و حقوق و در فلسفه و فرهنگ برخوردار است. سرمایه‌داری به هیچ وجه از بستر رشد و تکامل پیشرونده تمدن بیرون نیفتاده است و در گیرو دار حادثترین تضادهای در جریان مبارزه نیروهای اجتماعی - سیاسی، در اهماق این نظام مکانیسم‌هایی شکل می‌گیرد که پاسخ‌گوی الزامات زمان هستند.

چه کسی در آغاز قرن فکرش را هم می‌کرده است که متدهایی از قبیل برنامه ریزی، تلفیق منصف تنظیم دولتی و مناسبات بازاری، و باز توزیع گسترده در آمد ملی در راستای اهداف اجتماعی و نیکوکارانه در چنین ابعادی در جامعه سرمایه‌داری بکار گرفته خواهند شد. کل سیستم مناسبات تولیدی جامعه سرمایه‌داری

دستیابی به همین اهداف به علم و تکنولوژی معاصر همچنین به برتری اقتصاد بازاری تکیه می‌نماید. سیاست داخلی یک سلسله از کشورها سرمایه‌داری هر چه دموکراتیک‌تر می‌شود، قادر گذاری هر چه کاملتر و حیات اجتماعی و فرهنگی هر لیبرالی‌تر می‌گردد.

سرمایه‌داری اجتماعی طیر فم آنکه سرمایه‌داری پیشرفته معاصر نتواند است سرشت استثمارگرانه خود را بطور رادیکال تغ دهد، به انحصار در اقتصاد پایان دهد و از همه ستر و نارسایی‌های درونی خود بر آید، با این وجود، با مستحکمی برای گذار از نظام سرمایه‌داری سوسیالیسم فراهم آورده و امکانات بیشتری را بر چنین گذاری بدست می‌دهد.

از دیدگاه دیالکتیک تاریخ، گذار از سرمایه‌داری سوسیالیسم روند تاریخی مبرهنی است. در این رابطه صحبت بر سر گذار تغییرات کمی به کیفی (یا تغییر کیفی جزئی به تغییرات کیفی کامل) است. در واقع، برخی عناصر سوسیالیسم در جامعه سرمایه‌داری پیشرفته معاصر پدیدار گشته‌اند. بعنوان نمو مالکیت دولتی، گسترش فرایر انجمن‌های سهام، جدایی سرمایه خصوصی از حق اجیر کردن و استثمار، مالکیت وسایل تولید دگرگونی دیده می‌شود (مالک اجتماعی به جانشینی مالکیت خصوصی می‌آید). از گذشته، مشاهده می‌کنیم که کارگران در مدیر موسسات مشارکت می‌ورزند (و بنوبه خود، را کیفیت‌های انسانی تکیه می‌کنند).

کنترل کلان مقیاس دولت بر هر صه اقتصاد چیزی نیه بجز همان آغاز اقتصاد با برنامه، توزیع نوین درآمدها از جانب دولت صورت می‌گیرد و همچنین گستر سیستم تأمین اجتماعی موجبات کاهش تفاوت میر ثروت‌مندان و تهیدستان، کارگران و دهقانان، میان ک و ده را فراهم می‌آورد و به اشاه فرهنگ و آموزش می‌کند. وقتی صحبت از آن می‌کنیم که سرمایه‌دار معاصر برخی عناصر سوسیالیسم را در خود دار مجموعه کشورهای پیشرفته را در نظر داریم. اما واقع امر میان آنها تفاوت‌های بسیاری وجود دارد و ه یک از آنها بطور جداگانه، تمامی عناصر مذکور را شامل نمی‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت که سرمایه‌دار پیشرفته معاصر به مرحله گذار به سوسیالیسم پا گذار است. این گذار، روندی طولانی، و طبیعی - تاریخی است که در مجموع نه به جنگ و قهر، بلکه به صلح مساهد خواهد کرد.

سرمایه‌داری معاصر را باید "سرمایه‌دار اجتماعی" نامید، چرا که سرمایه‌داری در مرحله کنو یعنی در مرحله سوم ر شد و تکامل خود با اجتماعی شدن تولید، سرمایه و حیات اجتماعی مشخص می‌شود.

تکامل می‌یابد: از اشکال فردی مالکیت به اشکال سهام و سپس به اشکال انحصاری و دولتی - انحصاری، و بالاخره به اشکال الیگوپولیستی و فراملی، می‌شد فرض کرد سرمایه‌داری تحمل فشار انقلاب تکنولوژیک را که در ه های هشدار آغاز شده است، نخواهد داشت. آذ تکنولوژی‌های منصف، صنعت داده‌ها و اطلاعات، با خلاق، به آزادی کاوش و ابتکار و به قابلیت مانور بالا دارند. اما سرمایه‌داری بار دیگر خود را سازگار می‌کند به سیاست نولیبرالی - محدود کردن دخالت مسته دولت در تولید، تحرک بخشیدن به مناسبات بازاری مکانیسم‌های رقابت و تحرک کارفرمایان - روی آورد.

اما آیا این همه، به معنای از میان رفتن چشم اند تحولات انقلابی جامعه سرمایه‌داری است؟ چشم اند حفظ می‌شود، اما خود پیشروی به سوی اند سوسیالیستی متضمن غلبه بر نظرات فیب گویانه مورد گذار به سوسیالیسم است.

سرمایه‌داری از ظرفیت و قابلیت حیات بالا برخوردار است. این نظام، تشدید تضاد میان خصا اجتماعی تولید و شکل سرمایه‌داری تلک را با نگاه اشکال مالکیت و هر چه اجتماعی‌تر کردن این اشکال پاسخ گفت. تلک خصوصی، بخشاً با باز توزیع محصو اجتماعی جبران می‌شود. استثمار، هر چه بیشتر از طریق کنترل کمپلکس معنوی - تولیدی از جانب سران دولتی انحصاری و فراملی متحقق می‌گردد. اما تضاد اساس سرمایه‌داری همچنان همل می‌کند و انتقال اهرم‌ها قدرت بدست کل جامعه را ضروری می‌سازد. بقیه در صفحه



# سیمای نوین دیپلماسی

## قسمت‌هایی از پاسخ ادوارد شوارز ناندزه، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی به سوالات هفته نامه "فاکتها و شواهد"

شماره ۱۸، ماه مه ۱۹۸۹

بزرگترین دستاورد سیاست خارجی کشور در مدت زمان کار شما در وزارت امور خارجه چه بوده است؟

انتصاب من به وزارت امور خارجه هملا با آغاز نو سازی همزمان بوده است و تمامی دستاوردهای اساسی سیاست خارجی ما ظرف ۴ سال اخیر نتیجه و محصول مستقیم نو سازی است.

فکر می‌کنم مهمتر از هر چیز آن است که موفق شده‌ایم گرایش به روریاریی را در هم بشکنیم و تقابل را به دیالوگ تبدیل کنیم. همانگونه که می‌خایلی گارباچوف در نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب متذکر شد، ما مناسباتمان را با هیچ کس تیره نساخته‌ایم، مناسبات موجود را گسترش داده و مناسبات جدیدی نیز برقرار نموده‌ایم. مناسبات ما با جهان پیرامون هموارتر و آرام‌تر شده است و این خودش چیز کمی نیست، خطر درگیری و جنگ دورتر رانده شده است. امنیت ما بیشتر شده، آن هم نه به حساب گوش‌های فوق العاده و جدید در جهت "تسلیح بیشتر"، بلکه به مدد سیاست صحیح حیثیت بین المللی میهن ما بطور چشمگیری بالا رفته و اعتماد به حرف و عمل ما افزایش یافته است. این دستاوردها را به سختی بتوان با معیاری کمی سنجید، اما تغییر کیفی را هر کس که مثلاً ۵ سال پیش در قریب بوده و حالاً باره به کشور باز می‌گردد به آسانی احساس می‌کند. اما اگر بخواهیم از دستاوردهای بزرگ صحبت کنیم، در آن صورت من قبل از هر چیز از قرار داد امحای موشک‌های کوتاه و میان برد، موافقت نامه های ژنو در مورد افغانستان، نتایج جلسه مشاوره کشورهای اروپایی، ایلات متحده آمریکا و کانادا در وین، عادی شدن مناسبات با چین، و از کار بسته شیده های اصول نوین در برخورد با کشورهای سوسیالیستی و در حال رشد نام خواهم برد.

سخن‌آوندگان ما در نامه‌های خود گاهی این بیم را ابراز می‌کنند: آیا اتحاد شوروی بیش از اندازه در برابر غرب عقب نشینی نمی‌کند؟ آن هم چه در رابطه با هر صه‌هایی که شما ذکر کردید و چه در رابطه حقوق بشر و همچنین مثلاً در رابطه با اقدامی چون کاهش نیروهای مسلح شوروی.

پیروزی از عقل سلیم را عقب نشینی خواندن نه منصفانه است و نه معقول. ما در برابر غرب عقب نشینی نمی‌کنیم، بلکه در راستای سرشت خود و در انطباق با خصوصیات و الزامات رشد و تکامل خود به پیش می‌رویم. و این همه تمامی هر صه‌ها بر میگردد، چه حقوق مدنی و چه خلغ سلاح.

قرار داد مربوط به موشک‌های کوتاه و میان برد، موشک‌های آمریکایی زا که می‌توانستند مراکز حیاتی خاک اتحاد شوروی را تنها ظرف چند دقیقه بمدف قرار دهند، از مرزهای کشور ما برچید، بهلاوه ما ضمن آنکه از این موشک‌ها خلاصی می‌یابیم گریبان خود را از هزینه‌های ضرور حفظ و مراقبت آن بخش مهمات هسته‌ای

عاری از ... بقیه از صفحه ۸

پرفسور لو چون مین، سرمایه‌داری پیشرفته معاصر را سرمایه‌داری اجتماعی می‌نامد و بر آن است که سرمایه‌داری به مرحله گذار به سوسیالیسم یا نهاد است. فکر می‌کنم در طرح این گونه مساله یک نارسایی وجود دارد. بدین ترتیب جایی برای آن نیروهای اجتماعی - سیاسی که در راه سوسیالیسم مبارزه می‌کنند، باقی نمی‌ماند. آخر، تمام تکامل سرمایه‌داری را به دشواری بتوان بیرون از متن ستیزهای اجتماعی - طبقاتی جامعه بورژوازی بردستی درک کرد. واقعیت های سرمایه‌داری معاصر نه تنها الزامات هیئی رشد و تکامل اقتصادی، بلکه همچنین نتایج مبارزه چندین و چند ساله طبقه کارگر و نیروهای دموکراتیک را نیز که با

مان نیز که طبق این قرار داد نابد می‌شود، رها می‌سازیم. اما حالا مگر دنیا آخر خواهد شد که در این میان ما موشک‌های بیشتری از آمریکایی‌ها نابد کنیم. ما موشک‌های بیشتری مستقر کرده بودیم، حالا هم موشک‌های بیشتری جمع می‌کنیم. مهم آن است که این برای ما بهتر خواهد بود.

در خلال این صحبت می‌خواهم کلا یادآور شوم که مخاهیم نیرو و امنیت دولت در شرایط معاصر چیزی اساساً متفاوت با این مخاهیم در سالهای ۳۰ه یعنی متفاوت با زمانی است که در سرودهایمان می‌خواندیم: "ارتش سرخ نیرومندتر از همه". آیا نیرومند است و آیا ایمن است کشوری که اقتصادش دچار اختلال و هلوام بنیادینش در رکود باشد، کشوری که اقتصاد کشاورزی‌اش به هیچ ترتیب نتواند روی پایبسته و شمر و نداشتن به خاطر کمبود در تمامی هر صه‌ها زیر منگنه باشند؟

اماد در مورد افغانستان موافقت نامه‌های ژنو در ماهیت امر سدی است در برابر هزارها به خون خفته‌ای که نصیب کشور ما شده است. چیزی است که اعتماد به اتحاد شوروی را در همه جهان بشدت بالا می‌برد. و بالاخره، فرصت دیگری است برای اوقتان‌ها که امور خود را خود حل و فصل نمایند.

ما هر چه در توان داشته‌ایم بکار گرفته‌ایم تا پس از خروج ما، در افغانستان خونریزی نباشد و هر کاری خواهیم کرد تا این کشور روی پای خود بایستد. در مورد مشاوره وین باید گفت که این دیدار نه تنها مذاکرات فوق العاده مهمی را در راستای باز سازی ماشینهای جنگی اروپا بصورت ماشینهای دفاعی "براه انداخت"، بلکه به گسترش بیشتر همکاری‌های گوناگون در این قاره تحرک بخشید و "بعد انسانی" رورند اروپای مشترک را از مضمونی نوین سرشار ساخت. در جریان دیدار وین ما بسیاری مسایل مربوط به حقوق بشر را به گونه‌ای نوین درک کردیم و این خود به ما امکان می‌دهد در این هر صه در کشور خود بیشتر پیشروی کنیم. اما آیا اسم این را باید گذاشت عقب نشینی در برابر غرب؟

مگر این نیاز غرب است که انسان شوروی از مجموعه آزادی‌هایی که بطور مرسوم حقوق بشر خوانده می‌شود، برخوردار گردد؟ این امر پیش از همه در وهله اول برای ما و شمام، برای فرزندان ما، برای آینده‌مان و برای سوسیالیستی ضروری است. بدون تأمین حقوق گسترده و تضمین شده برای انسان، دموکراسی در کار نبوده و نمی‌تواند هم در کار باشد، دولت حقوقی وجود نداشته و نمی‌تواند هم وجود داشته باشد.

اما در رابطه با آنچه که به کاهش ۱۲ درصدی نیروهای مسلح و تقلیل هزینه‌های نظامی به میزان ۱۴ درصد مربوط می‌شود، فکر می‌کنم وجهی از این مساله که به اقتصاد ملی بر میگردد احتیاج به توضیح و تفسیر ندارد و خود بخود روشن است. اهمیت مثبت این اقدام در ارتباط با چشم انداز مذاکرات مربوط به خلغ سلاح نیز به یکسان هیان و آشکار است. تنها روی یک نکته می‌خواهم تأکید

سرمایه بزرگ مقابله می‌کنند، در خود متبلور ساخته است.

این تلقیف نیازهای هیئی مبارزه و نیروهای اجتماعی - سیاسی ترقی خواه است که دارد سرمایه‌داری را به چنان وضعیت گذاری می‌کشاند که در آن به بیان لنین، سوسیالیسم از تمامی پنجره‌های جامعه سرمایه‌داری معاصر به ما می‌نگرد. در جامعه سرمایه‌داری معاصر بانتهای اقتصادی و اجتماعی - سیاسی هر چه بیشتر و همیقتر باز سازی می‌گردند و عناصر دارای کیفیت سوسیالیستی انباشت می‌شوند. اما به آسانی نمی‌توان گفت که این روند تا کجا پیش رفته است و فرجام آن چه خواهد بود. پاسخ گویی به این سوالات مستلزم تحقیقات شالوده‌ای است.

کنم و آن هم اینکه این در صدها رتمی "من در آوردی" نیستند، بلکه بارها و بارها بطور موشکافانه در دفتر سیاسی و شورای دفاع مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. همه و هر چیز سنجیده شده است و این نتیجه بدست آمده است که به این ترتیب بنیه دفاعی کشور آسیب نخواهد دید. اگر در این زمینه هم از عقب نشینی صحبت کنیم، آری این "عقب نشینی" است. اما در قبال سطح زندگی مردم شوروی (که انفسوس هنوز چندان بالا نیست)، در قبال بهداشت و درمان (که اضافه بر این هم چند میلیارد روبل به آن اختصاص یافته است) و در قبال تأمین اجتماعی.

\*- بنظر شما بفرنج‌ترین مساله سیاست بین المللی پس از افغانستان کدام است؟

\*- اگر مقصود از مساله، درگیری‌های منطقه‌ای باشد، من روی خاور نزدیک مکت می‌کنم. در واقع، هر لحظه در این منطقه روندهای خطرناک و غیر قابل کنترلی می‌تواند انکشاف پیدا کند که هواتب و حییمی بدنبال داشته و کل حیات بین المللی را با دشواری‌های دراز مدتی روبرو سازد.

\*- شما در سخنرانی خود در کنفرانس هلمی - هلمی وزارت امور خارجه (ژوئیه ۱۹۸۸) از "بهای اقتصادی تصمیمات سیاسی" سخن گفتید. بنظر شما، موافقت نامه‌های بین المللی که در ایام اخیر از جانب اتحاد شوروی امضا شده است چه نقشی در سالم سازی اقتصاد کشور بازی خواهند نمود؟

\*- مقصود من از بهای اقتصادی تصمیمات سیاسی چیزی غیر از همان سود اقتصادی نیست. در ایام قبل از نو سازی، هنگام تصمیم گیری در هر صه سیاسی (و من مسایل دفاعی را نیز به آن اضافه می‌کنم)، "حساب هر کوپک را داشتن" چیزی تقریباً خجالت آور بود. سیاست خارجی حالتی قائم به ذات داشت و اقتصاد... چه جای این خرده ریزها، آنهم وقتی که صحبت بر سر ایده‌ها و ایده‌آلها و بر سر "سیاست بزرگ" است؟ آنچه که هملا در رابطه با کل اقتصاد ملی به کار بسته می‌شد، همان "اصل بازمانده‌ها" بود: تنها آن چیزی نصیب اقتصاد داخلی کشور می‌شد که پس از تأمین برنامه‌های اقتصاد خارجی و پس از انجام تدابیر دفاعی باقی می‌ماند. این حقیقت هم اساساً نادیده گرفته می‌شد که در هر صه‌های بین المللی و دفاعی، ممکن است چیزهایی وجود داشته باشد که کشور ما اصلاً نتواند به طرف آن برود. بی تردید این همه، در آنکه اقتصاد ما "به این روز افتاده است" نقش داشته است.

در حال حاضر، تصمیمات سیاسی در ترازوی اقتصاد هم قرار داده می‌شوند. ایقان دارم که تنها بدین ترتیب می‌توان تعاجی عناصر قدرت ملی مان (آنهم قدرت واقعی، و نه قدرت موهومی که در "سرود" ما خوانده می‌شود) را هماهنگ سازییم - قدرت سیاست خارجی، قدرت دفاعی و قدرت اقتصادی. نتیجتاً هم آنکه چه در کل و چه در هر یک از این اجزاء نه ضعیف‌تر، که قوی‌تر خواهیم شد.

در مورد نقش موافقت نامه‌های سال‌های اخیر در سالم سازی اقتصاد کشور بار دیگر می‌خواهم به قرار داد مربوط به موشک‌های کوتاه و میان برد، به موافقت نامه ژنو در مورد افغانستان و به عادی شدن مناسبات با بسیاری از کشورها اشاره کنم. مثلاً هیچ کس فکرش را هم نکرده است که ناهنجاری و غیر عادی بودن مناسبات میان اتحاد شوروی و چین تا چه اندازه برای اقتصاد این دو کشور کبیر و سوسیالیستی گران تمام شده است.

اما آخرین نکته‌ایکه در پاسخ به این سوال باید به آن اشاره کنم چنین است: موجبات سالم سازی اقتصاد کشور ما را تحقق یکی از اصول همده تفکر نوین سیاسی فراهم خواهد آورد و این اصل هم مهارت است از: همگرایی اقتصاد شوروی در سیستم جهانی اقتصاد.

به گمان من فرضیه‌ای که گذار جوامع پیشرفته سرمایه‌داری به سوسیالیسم را نه از طریق "گسست" از ساختارهای اجتماعی شکل گرفته، بلکه از طریق استحاله کیفی این ساختارها ترسیم می‌کند، کاملاً بر حق و بسیار محتمل است. اینک چشم انداز رفح سرمایه‌داری و "نفی خود" دیالکتیکی این نظام در چه زمان و در چه شکلی تحقق خواهد یافت، تا حد تعیین کننده‌ای بستگی دارد به قابلیت نیروهای اجتماعی پیشرو در ارزیابی صحیح از وضعیت موجود و درک جوهر تحولات جاری، و به توانایی این نیروها در تدوین اکثریتایی قانع کننده و عاری از اسطوره و توهم که نیازهای حیاتی اکثریت جامعه را در خود بازتاب دهد.

پیام ک.م.ح.ک.ا.ش. خطاب به

## هجدهمین کنگره انترناسیونال سوسیالیستی

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از طرف کمونیست های شوروی به کنگره هجدهم انترسیونال سوسیالیستی درود می فرستد و موفقیت این کنگره را آرزو می کند.

امروز، در آستانه قرن ۲۱ بشریت با امید و در همین حال با نگرانی به آینده چشم دوخته است.

جهان تغییر کرده و همچنان تغییر می کند و پیش از همه به برکت مبارزه چندین و چند قری ز صحتکشان در راه حقوق اجتماعی و به برکت دخالت هر چه گسترده تر توده های خلق در سیاست، اما معضلات جدید و بی سابقه ای نیز جهان ما را در محاصره گرفته اند. معضلاتی که جهانی شده اند. برای اولین بار در طول تاریخ، امکان واقعی خودکشی بشریت پدیدار گشته است.

هواقتب انقلاب علمی - فنی که به صورت خطری بر روی کره ارض رخ نموده است، و امیدار د تا از معیارهای نوین پیشرفت صحبت کنیم. پیشرفت واقعی تنها در شرایط نظم صلح آموخ امکان پذیر است. پیشرفت باید همگانی باشد. یالبته اصلا پیشرفتی در کار نخواهد بود.

در این رابطه باید در جستجوی سازشی هموم بشری بود. تلاش برای باز تبیین وضعیت جهان ما را به تفکر نوین سیاسی رسانید. تفکر نوین سیاسی جز متشکله و تفکیک ناپذیر ایدئولوژی و پراتیک نوسازی است. نمایندگان هجدهمین کنگره انترسیونال سوسیالیستی می دانند که کنگره نمایندگان خلق ما، اصول سیاست سیاست خارجی اتحادشوروی را که از تفکر نوین نشأت می گیرند تأیید

کرده و قانونیت بخشید. ما این مشی را بطور قطعی برگزیده ایم و خیال نداریم تغییر دهیم. ما پیگیرانه در راه غیر نظامی کردن، دمکراتیزه کردن و انسانی کردن مناسبات بین المللی خواهیم کوشید.

اتحاد شوروی در سالهای اخیر به کوششهایی بی سابقه دست زده است تا مسایلی تسلیحاتی و بویژه هسته ای را متوقف کند و به تحولی به سود خلق سلاح عمومی و قابل کنترل دست یابد. ما به اقدامات یکجانبه عظیمی دست زدیم. به کاهش جدی نیروهای مسلح تسلیحاتی پرداختیم. تغییر خطی را در ایدکال تولید نظامی را آغاز نمودیم. بودجه نظامی را بطور چشمگیری کاهش میدهیم.

ابتکارات صلح و اقدامات عملی یکجانبه ما، موجبات دگرگونی کیفی فضای مناسبات بین المللی را فراهم آورده است. کاهش واقعی مهمات هسته ای اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا آغاز گردیده است. مکانیسم کنترل بر خلق سلاح برای اولین بار ایجاد شده و بطور ثمر بخش عمل می نماید.

ما برای سمع موثر انترناسیونال سوسیالیستی و احزاب آن در رفع دشواریها - دشواریهای عینی، اما قابلهم مضوفا ایجاد شده - روند کاهش تسلیحات و تحکیم ثبات بین المللی اهمیت فراوان قایل هستیم.

در مناسبات میان شرق و غرب، به ویژه باید از هر آنچه است که این مناسبات را ناپایدار می سازد، احتراز جست. به اعتقاد ما، چنان سیاستی به صلح و ثبات چه در اروپا و چه

در سراسر جهان کمک خواهد کرد که بر تلاش برای لطمه زدن به منافع امنیت یکدیگر استوار نبوده بلکه مبتنی باشد بر انتقال مناسبات میان ناتو و پیمان ورشو بر بستر غیر مقابله جویانه.

ما برنامه عمل مشخصی را عملاد در تمام طیف مسایل بین المللی پیشنهاد می کنیم: خلق سلاح، دمکراتیزه کردن مناسبات بین المللی، حل و فصل در گریبای منطقه ای، حر است از محیطزیست، بهره گیری از منابعی که در حال حاضر به پای مسابته تسلیحاتی ریخته می شود برای بهبود زندگی خلفا به ویژه در کشورهای "جهان سوم".

ما می دانیم که انترناسیونال سوسیالیستی نیز به برنامه ای اصولی در رابطه با این مسایل مجزم است. نقاط تماس بسیاری در میان ما وجود دارد. بحث های مراسم بزرگداشت هفتاد سالگی انقلاب اکتبر نیز از جمله، شاهد این مدهاست. دیدار مسکو نشان داد که مراده و همکاری میان ما چگونه می تواند و باید سازمان یابد. نه به حساب "واگذاری مواضع" از جانب هر طرف که باشد بلکه از طریق کاوش مشترک برای دستیابی به پاسخ مطالبات زمان، ضمن حفظ استقلال و سیمای خاص هر جریان و هر حزب.

البته، هنوز کار زیادی در پیش است تا برداشتی امروزین از سوسیالیسم متناسب با پیشرفت تمدن در پایان قرن ۲۰ تهیه و تدوین شود. اما یک چیز روشن است: حقوق و آزادیهای دمکراتیک از دیدگاه ما، جزئی ضرور از ارزشهای سوسیالیستی است. ما می خواهیم می توانیم تأیید کنیم که: سوسیالیسم و دمکراسی، و سوسیالیسم و آزادی معارض هم نیستند؛ برعکس، آنها متعلق به یکدیگر بوده و یکدیگر را باروری می سازند. حزب کمونیست اتحاد شوروی به مثابه مبتکر امر نوسازی، دین خود را در برابر خلق شوروی، و در برابر همه نیروهای دمکراتیک و ترقیخواه جهان در آن می بیند که نوسازی با موفقیت انجام پذیرد.

بادردهای دوستانه  
کمیته مرکزی  
حزب کمونیست اتحاد شوروی  
۲۵ ژوئن ۱۹۸۹

بقیه از صفحه آخر  
مدرنیزا سیون ...

آنها در این باره جنبه حادثی بخود گرفته است.

سران کشورهای عضو پیمان ناتو به جهان سالگرد تاسیس آن در اوایل ماه گذشته در بروکسل گرد آمدند و هر یک جداگانه مواضع خود را ابراز نمودند و در پایان بیانه نهایی توسط اجلاس اعلام گردید. سخنرانیها طاهر آ با آب و تاب بر "خلق سلاح و کنترل تسلیحات" تأکید داشت. در سندهای نهایی تلاش شده است با چشم پوشی بر اختلافات فیما بین که نوقا به آن اشاره شده است به گزارشهای مشترک ناتو تأکید گردد. سند با ذکر پیدایش امکانات نوین در پیشرفت مذاکرات شرق و غرب و توافق های حاصله در این رابطه همه آنها را از "دستاوردهای قطعی ناتو" و "سیاست قاطع و راسخ" آن به حساب آورده است. با مطالعه دقیقتر سند نهایی، منتشره می توان به ماهیت سیاست ناتو پی برد. در بخشی از آن آمده است: "متحدین پیمان با هزمی راسخ نیروها را در حدی که برای استراتژی ارباب است حفظ خواهند کرد... بخشی از متحدین پیمان فکر می کنند که خروج همه سلاحهای اتمی از اروپا بطور جدی به استراتژی ارباب آسیب می رساند و "امنیت اتحادیه" را به خطر می اندازد".

در همین راستا بود که دبیر کل ناتو بعد از پایان اجلاس ضمن "استدلال" ضرورت ادامه استقرار سلاحهای هسته ای در اروپا اظهار داشت که: بخاطر صلح در اروپا در هیچ شرایطی سلاحهای هسته ای از اروپا حذف نخواهد شد.

بنظر می رسد که رهبران ناتو در اجلاس اخیر بر سر سیاست مشترک در باره سلاحهای تاکتیکی اتمی به توافق چندانی

نرسیده اند. علیرقم اینکه آنها تاکید کرده اند که سر نوشت موشکهای تاکتیکی مستقیماً با مذاکرات وین در مورد سلاحهای هادی ارتباط پیدا می کند هر یک بطرفی جداگانه اعلام مواضع کردند. مثلاً بوش و تاچر (امریکا) و انگلستان) محدودیت جزئی موشکهای تاکتیکی را خاطر نشان کردند ولی هلموت کهل (آلمان غربی)، پیشرفت مذاکرات و نابودی موشکها را مدنظر قرار داد.

هم اکنون ناتو بر سر دوراهی قرار گرفته است. از طرفی امکانات پاسخ مثبت به ابتکارات مشخص و صریح مطرح شده از جانب اتحاد شوروی و سایر کشورهای عضو پیمان ورشو را در پیشرو داد و از طرف دیگر متنوز بر بسیاری از سیاست های گذشته خود از قبیل ادامه حضور نظامی و استقرار موشکهای تاکتیکی اتمی و مدرنیزاسیون سلاحها پافشاری می کند.

چنانچه علیرقم مخالفت افکار عمومی و علیرقم سیاست های منقطع اتحاد شوروی و پیمان ورشو و علیرقم تعهدات قرار داد ژنو و مذاکرات در حال جریان وین، مدرنیزاسیون صورت واقع بخود بگیرد عملاً امنیت کشورهای اروپائی در محاطره جدی قرار خواهد گرفت. زیرپیمان ورشو در آن صورت خود را مجبور خواهد دید که بی تفاوت باقی نماند.

منافع همه کشورها و ساکنین قاره اروپا نه در مدرنیزاسیون سلاحی و افزایش قدرت اتمی آنها بلکه در کاهش مرحله به مرحله و سپس نابودی کامل سلاحهای اتمی است. در همین رابطه بود که ماه قبل پیمان ورشو پیشنهاد آغاز مذاکره در این باره را داد. اندیشه و عمل کشورهای سوسیالیستی اروپا، ایجاد

شرایط سیاسی مساعد برای ثمر بخشی هر چه بیشتر مذاکره فیما بین و امتناع و ممانعت از مدرنیزاسیون سلاحهاست. آلمان غربی و تعداد دیگری از کشورها با پیشنهاد فوق موافقت کرده اند ولی امریکا و انگلیس به آن جواب رد داده اند.

چرخ بوش که در دیدار تاریخی واشنگتن در مقام معاون ریاست جمهوری در زمینه توافق کاهش سلاحهای هسته ای استراتژیک امریکا و شوروی اظهار امیدواری کرده بود: اکنون در مقام ریاست جمهوری امریکا، آغاز مذاکرات با اتحاد شوروی را در باره سلاحهای اتمی تاکتیکی اشتباه می خواند.

وزیر دفاع امریکا نیز به صراحت اظهار داشته است: "اگر حالا ما مذاکره موشکهای تاکتیکی را با آنها (شورویها) شروع کنیم اتوقت بیم دارم این اقدامات دقیقاً به سود آنها تمام شود". اما مردم سراسر قاره اروپا هم بیم دارند که روند صعودی مدرنیزاسیون سلاحهای اتمی تاکتیکی و انبار کردن آنها سبب فاجعه عظیمی گردد که در آن نه سود این یا آن طرف، بلکه نابودی همه بشریت را بدنبال خواهد داشت. در جهان انباشته شده از انواع سلاحهای ایزونگر، تلاش در راه افزایش و یا مدرنیزاسیون آنها فقط قسط بشریت را یک قدم دیگر به محله نزدیک خواهد کرد. اکنون مطالبه مرم زمان، تأمین صلح پایدار در مناسبات بین المللی است. سران کشورهای عضو ناتو می بایست بر این مطالبه گردن گذارند و سیاست نوینی را که متوجه تأمین صلح پایدار در مناسبات بین المللی است راهمای اندیشه و عمل خود قرار دهند.

طرح مدرنیزاسیون سلاحها در نقطه مقابل چنین مطالبه ایست. این طرح باید قاطعانه محکوم و بدور انداخته شود. □

اجلاس فوق العاده سران عرب

# تحول اوضاع

## در منطقه عربی

اوایل خرداد ماه امسال اجلاس فوق العاده رهبران کشورهای عربی در کازابلانکا تشکیل شد. چندی قبل تر از آن وزرای خارجه کشورهای عربی تشکیل جلسه دادند و دستور کار اجلاس فوق العاده سران اتحادیه عرب را بررسی و چگونگی پایان دادن به جنگ داخلی لبنان و مسائل مربوط به جنبش مقاومت فلسطین تعیین کردند. سران عرب طی اجلاس خود هر دو مسأله را مورد بررسی قرار دادند و با صدور قطعنامه‌ای درباره هر یک از آنها تصمیماتی اتخاذ نمودند.

اجلاس سران عرب در اوضاع ویژه‌ای برپا گردید؛ جنگ بین ارتش سوریه و بخشی از ارتش لبنان به رهبری میشل عون و با حمایت رژیم عراق اوضاع لبنان را بشدت بحرانی و انفجار آمیز کرده و صدها کشته بر جای گذاشته است و این در شرایطی است که بدلیل ادامه قیام پرادامه فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی و تحرک و ابتکار عمل سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، جنبش مقاومت فلسطین مرحله حساس و آینده‌ساز را پشت سر می‌گذارد.

اوضاع در لبنان پس از خاتمه دوره ریاست جمهوری امین جمایل و تشکیل دولت نظامی میشل عون در ثرب بیروت روبه وخامت بیشتری نهاد. ژنرال عون پس از تأمین رهبری خود بر مسیحیان، نبرد علیه نیروهای سوریه را با هدف بیرون راندن آنها از لبنان آغاز کرد. او در این جنگ از حمایت مالی و تدارکاتی رژیم عراق و نیروهای مسیحی دست راستی لبنان برخوردار بود. ارتش سوریه بجمراه بخشی از نیروهای مسلمان لبنانی به مبارزه علیه عون پرداختند. اکنون بیش از ۳ ماه است که جنگ و کشتار بی‌سابقه پایتخت لبنان را فرا گرفته است و همه تلاشهای نیروهای مترقی لبنانی و اتحادیه عرب برای استقرار آتش بس بی نتیجه مانده است. تاکنون طرح و ابتکار کمیته شش نفره انتخابی اتحادیه عرب مبنی بر: برقراری فوری آتش بس و استقرار یک نیروی پاسدار صلح عربی برای نظارت بر آن، توافق روی رئیس جمهور و تصویب آن در مجلس لبنان، مورد پذیرش طرفین قرار نگرفته است. نیروهای ملی و مترقی لبنان خواهان آتش بس فوری، انتخاب رئیس جمهور، تشکیل یک دولت وحدت ملی و اصلاح سیستم سیاسی لبنان هستند. آنها همچنین بر خروج همه نیروهای خارجی از لبنان و مقدم بر همه خروج ارتش اسرائیل از جنوب لبنان پافشاری می‌کنند.

ژنرال عون و مسیحیان طرفدار او بر عقب نشینی مقدم سوریه از لبنان اصرار دارند و اصلاح ساختار سیاسی حکومت لبنان را که در حال اختیارات و قدرت فوق العاده مسیحیان نسبت به سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی در حکومت را محدود می‌کند، نمی‌پذیرند.

حکومت سوریه نیز نسبت به تحولات لبنان بی تفاوت نیست. نیروهای ارتش سوریه که حدود ۱۳ سال پیش با تصمیم اتحادیه عرب به لبنان وارد شده، طی این سالها در کلیه رخدادهای سیاسی آن کشور نقش موثر داشته است. اینکه حکومت سوریه بعنوان یکی از کشورهای درگیر با اسرائیل و خط مقدم نسبت به تحولات بنان حساسیت بخرج می‌دهد قابل درک است، ولی انگیزه‌های سیاسی دیگری نیز مطرح است که کاملاً با منافع مردم و نیروهای ملی و مترقی لبنان منطبق نیست. حضور دائمی نیروهای سوریه در بنان و تاثیر گذاری آن در امور داخلی این کشور از عواملی است که خود بر

دامنه تشنج اوضاع می‌افزاید و حضور اسرائیل و نیروهای رژیم ایران در آن کشور را توجیه پذیر می‌کند. علاوه بر این امر یکی از عوامل تحریک نیروهای مسیحی دست راستی در ایجاد درگیری و دخالت رژیم عراق در امور لبنان است. اجلاس فوق العاده سران عرب در چنین وضعی و با وجود چنین گرایشاتی به بررسی مسأله لبنان پرداخت. جلسات اجلاس سران در هنگام بررسی مسأله لبنان هر سه رقیب و جدال رهبران عراق و سوریه بود که هر یک دیگری را به دخالت در امور داخلی آنکشور متهم می‌کردند. پس از بحث های طولانی و طرح پیشنهادهای مختلف سرانجام اجلاس با صدور قطعنامه‌ای از طرفین درگردد لبنان خواست آتش بس را رعایت کنند و از مجلس لبنان خواسته شد طی مدت غماه طرحی برای اصلاحات ساختار سیاسی حکومت تنظیم و زمینه انتخاب رئیس جمهور جدید فراهم سازد. کنفرانس یک کمیته ۳ نفره مرکب از رهبران کشورهای الجزایر، مغرب و عربستان سعودی را مامور پیگیری و نظارت بر چگونگی پیشرفت طرح منظور نمود و قرار بر این شد که در صورت عدم موفقیت کمیته مورد بحث اجلاس سران عرب مجدداً برای چاره‌یابی برپا گردد.

بدین ترتیب هلینرم پافشاری عراق در حمایت از خواست مسیحیان لبنان و ژنرال عون، مبنی بر خروج قید و شرط و فوری ارتش سوریه از لبنان، این امر مورد تصویب قرار نگرفت و به بعد از اصلاح ساختار سیاسی حکومت و انتخاب رئیس جمهوری در لبنان که مردود قرار است زیر نظر کمیته ۳ نفره وطنی شش ماه آینده انجام شود، موکول شد. می‌توان گفت اجلاس سران عرب با تاکید بر یک راه حل میانه بین بست تصمیم گیری در باره لبنان را موقتاً از میان برداشت و خواست سوریه را تأمین کرد. اما به راه حلی فوری برای قطع درگیریهای لبنان دست نیافت.

مسأله مهم دیگری که در اجلاس مورد بحث قرار گرفت مسأله فلسطین و اظهار نظر پیرامون مواضع و مشی جدید "ساف" بود. برای بررسی دقیق تر این مسأله ضروریست تحولات ماه‌های اخیر در این رابطه را مورد توجه قرار دهیم و مواضع و سیاستهای آمریکا و اسرائیل و سایر متحدان غربی آنها را در آستانه تشکیل اجلاس سران عرب بررسی کنیم. بدنبال آوجگیری و تداوم قیام فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی و بی‌نتیجه ماندن اقدامات فاشیستی صهیونیست‌ها برای خاموش کردن مبارزه مردم فلسطین، دولت اسرائیل طرح جدیدی را برای حل و فصل مسأله فلسطین مطرح ساخت، و اقدامات دیپلماتیک وسیعی برای جلب حمایت آمریکا، انگلیس و سایر متحدان غربی خود از این طرح بعمل آورد. طرح مورد بحث که به "طرح

شامیر" شهرت یافت کماکان بر عدم پذیرش "ساف" بعنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین تاکید داشته و بر آنست تا با برگزاری انتخابات محلی، در سرزمین‌های اشغالی قرب رود اردن و نوار قزه، برای این مناطق نمایندگانی علم کند و آنها را به مذاکره با اسرائیل وادارد. کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین طی اجلاس این طرح را مورد بررسی قرار داد و مردود شناخت و اعلام کرد که نقطه انتخابانی را بدین منظور مورد پذیرش قرار خواهد داد که زیر نظارت سازمان ملل متحد و بدون حضور نظامی اسرائیل در این مناطق برپا گردد. وزیر خارجه آمریکا در آستانه برپائی اجلاس سران عرب طی سخنان بی‌سابقه‌ای از رویای تشکیل اسرائیل بزرگ و ایجاد شهرک‌های یهودی نشین در مناطق اشغالی و فکر انضمام سرزمین‌های فلسطینیان به خاک اسرائیل انتقاد کرد و رهبران اسرائیل را به پذیرش مذاکره با "ساف" ترغیب نمود. این مواضع که در واقع مبین سیاست وسعتگیری جدید آمریکا در خاورمیانه است با واکنش مثبت سازمان آزادیبخش فلسطین و با خشم رهبران اسرائیل مواجه گردید.

چرخش در سیاست خارجی آمریکا در این زمینه موفقیت بزرگی برای فلسطینیان است که از سیاست‌های واقع گرایانه "ساف" ناشی می‌شود. باید توجه داشت که ادامه قیام فلسطینیان در مناطق اشغالی و سرکوب فاشیست‌ها بانه اسرائیل که خود بر دامنه و وسعت مبارزه مردم فلسطین افزوده است، اظهار نارضایتی افکار عمومی مردم آمریکا نسبت به اعمال خشونت صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی و بی‌ثباتی اوضاع منطقه از عواملی است که جرح بوش را به بازنگری سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و تجدید نظر در بعضی از جهات آن واداشته است.

سیاستهای واقع گرایانه فلسطینیان، مواضع جدید دولت بوش و عدم حمایت عده‌ای از دول غربی از طرح شامیر سبب شده است تا تضادهای درگیریهای درونی حکومت اسرائیل افزایش یابد، نیروهای صلحدوست و ترقیخواه اسرائیل تحرک بیشتری پیدا کنند و صهیونیست‌ها و نیروهای راست افراطی زیر فشار قرار گیرند.

اتحادیه عرب در چنین اوضاعی بررسی مسأله فلسطین را در دستور داشت. سران عرب یکبارچه بار دیگر قیام مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی را مورد تأیید و حمایت قرار دادند و تاکید کردند که از هیچ کمکی به مبارزه خلق فلسطین در راه تحقق حقوق عادلانه‌اش دریغ نخواهند کرد. اتحادیه عرب مشی جدید و صلح خواهانه "ساف" مبنی بر پذیرش وجود دو کشور فلسطین و اسرائیل در کنار هم، پذیرش اصل

همزیستی مسالمت آمیز آنها، و تاکید بر حل و فصل سیاسی مسأله فلسطین را مورد تأیید قرار داد. اجلاس همچنین تشکیل کشور مستقل فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی قرب رود اردن و نوار قزه را تأیید کرد و از مبارزه "ساف" در این راه پشتیبانی نمود و پیشنهاد یاسر عرفات رئیس جمهوری فلسطین مبنی بر تشکیل یک کمیته برای پیگیری مسائل فلسطین و زمینه سازی جهت تشکیل اجلاس بین المللی صلح خاورمیانه را مورد بررسی قرار داد.

سران عرب طرح جدید اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل را رد کردند، و از موضع "ساف" در این باره حمایت نمودند. "ساف در جنب" حمایت سران عرب از مشی واقع گرایانه‌اش، با مخالفت حکومت سوریه مواجه بود. سوریه اعلام داشتند که در هر توافقی با اسرائیل باید توازن استراتژیک بین اعراب و اسرائیل حفظ شود. حکومت سوریه از مدتها پیش مخالفت خود را با مشی جدید "ساف" و بخصوص پذیرش قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل متحد توسط آن سازمان اعلام داشته است.

مصوبات و مواضع سران عرب در باره مسأله فلسطین موفقیت بزرگی برای سازمان آزادیبخش فلسطین محسوب می‌شود. این امر زمینه سیاسی مناسبی برای پیشبرد مبارزه و سیاستهای ساف در هر سه ملی و بین المللی فراهم خواهد نمود و بر چشم انداز تحول اوضاع بسود جنبش آزادیبخش خلق فلسطین موثر خواهد بود. \* \* \*

در اجلاس سران عرب جدا از مسائل اصلی در دستور موضوعات و مسائل و قطعنامه‌های دیگری نیز پیشنهاد شده که از اهمیت کمتری برخوردار بود. یکی از این موارد مسأله جنگ ایران و عراق بود که بنا به پیشنهاد رژیم عراق مطرح گردید. سران عرب در اجلاس مورد بحث بر ضرورت استقرار صلح پایدار بین ایران و عراق بر مبنای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل تاکید کردند اما متأسفانه در همین زمان ادعاهای دروغین و یکجانبه رژیم صدام در رابطه با روند رودر ریز مورد حمایت قرار دادند.

به اعتقاد ما این موضع گیری نابجا و غیر واقعی سران عرب که زیر فشار شانتاژ رژیم صدام اتخاذ گردید تأثیری منفی بر پیشبرد روند مذاکرات صلح بین دو کشور بر جای خواهد گذازد و علاوه با روح مسالمت جوینانه قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت نیز در تعارض آشکار قرار دارد. تأیید ادعاهای یکجانبه و توسعه طلبانه رژیم عراق مبنی بر حاکمیت آنکشور بر آبراه اروند رود که پافشاری صدام بر آن از عوامل بن بست مذاکرات صلح است، موضعی نادرست و بقایت زیانبار است. در حال حاضر مانع اصلی در عدم پیشرفت مذاکرات صلح بین دو کشور قبل از همه پافشاری رژیم صدام به عدم پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر بعنوان مبنای کلی گفتگوها و عقب کشیدن نیروهایش از خاک ایران به مرزهای بین المللی است. رژیم عراق حاضر نیست موافقتنامه الجزایر، که مرز آبی دو کشور را خط انقراض آبراه اروند رود می‌داند، بپذیرد. برای پیشرفت مذاکرات صلح بین دو کشور و خروج از بن بست کنونی باید قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر بعنوان مبنای گفتگوهای طرفین پذیرفته شود و اجرای موارد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در دستور قرار گیرد و اسرای جنگی بدون هیچ قید و شرطی آزاد گردند. □







درگذشت خمینی ...  
بقیه از صفحه ۲

هیات حاکمه تلاش می کند، این روند حتی قبل از مرگ خمینی، با حذف منتظری و سرکوب حامیان او آغاز شده بود. هدف هاجل سران قدرتمند رژیم تحکیم موقعیت خود و جبران خلاء ناشی از فقدان خمینی است. تمرکز تمام قدرت در چنگ رفسنجانی - خامنه ای در مرحله فعلی هدف مقدم سران رژیم است. پیشرفت این تلاشها طبعاً با مقاومت و مقابله گروهبندی های مختلف درون حکومت روبرو می شود.

گرایش که خواهان حفظ اختیارات مجلس شورای اسلامی و سیطره کامل قانون بر مسئولین و مقامات است. سازمان ما مخالف تمرکز قدرت و اختیارات در چنگ خامنه ای - رفسنجانی و فرمایشی کردن مجلس است. باید با تمام قدرت نقشه سران رژیم برای سوختن حکومت بست، دیکتاتوری فردی را افشا کرد و علیه پیشبرد آن سرسخانه ایستادگی کرد.

داریم در برابر نقض خشن حقوق بشر در ایران موضع قاطع اتخاذ کنند، مگر قرار داد خارجی از جمله معاملات تسلیحاتی را با دقت مورد توجه قرار خواهیم داد. ما مخالف میلیتاریزه کردن کشور و برپا دادن بخش هنگفتی از درآمد به پای تسلیحات هستیم. باید با تمام نیرو مردم را علیه تمایل سران رژیم به داشتن نیرومندترین ارتش در منطقه بسیج کرد. باید به هر دولتی که به ایران سلاح می دهد هشدار داد و خواست به رژیم ایران اعتماد نکنند، انباشت سلاح در دست این رژیم، امنیت منطقه را در معرض خطر قرار می دهد.

انتخابات ... بقیه از صفحه اول

کار شورای بازنگری قانون اساسی که وظیفه دار وارد کردن اصلاحاتی در قانون اساسی است هنوز تمام نشده، اما ظاهراً کلیات طرح مربوط به "اصل تمرکز در مدیریت قوه مجریه" به تصویب شورورسیده، ولی از کم و کیف آن اطلاعاتی انتشار نیافته است. بنظر می رسد که هنوز در باره موضوع حذف پست نخست وزیری، بحث و جدل در شورا ادامه دارد، اما نتیجه معلوم است. خامنه ای در نماز جمعه اظهار داشت که: "در مورد قوه مجریه راه به جایی نمی برد هر قدر هم همکاری و همخوانی وجود داشته باشد باز هم دو اراده مطرح است، در حالیکه با یک مدیریت واحد کارها بهتر انجام می شود". او در سخنانش تلویحاً تصمیم از پیش معلوم سران رژیم مبنی بر حذف پست نخست وزیری و تمرکز همه قدرت اجرایی در دست رئیس جمهور که رفسنجانی یگانه کاندید واقعی آن است را بر ملا ساخت.

احتمالاً آخوندها برای خالی نبودن عریضه در صورتیکه توافقی های پشت پرده آنها سر جایش باقی بماند، مخره های بی خطری را هم به میدان "زابت انتخاباتی" وارد می کنند تا "کبر شاه" به اصطلاح در انتخابات پیروز شود، اما همه چیز از پیش روشن است. خامنه ای در تعریف و تمجید از رئیس جمهور آینده سنگ تمام گذاشت و در عوض رفسنجانی هم از قول امام او را یگانه فرد لایق برای رهبری معرفی کرد.

موضوع ما در قبال این فرم ها با تأثیر آن در وضع زندگی مردم از یک سو و از سوی دیگر با تأثیر آن در رشد اقتصادی کشور ارتباطی می یابد. آنچه مسلم است آنست که رژیم منابع اقتصادی هنگفتی را صرف حفظ موجودیت و امنیت خود و منابع بیشتری را صرف خرید تسلیحات خواهد کرد. تورم و بیکاری همچنان بیداد خواهد کرد. در قبال این تلاشها باید با بسیج هر چه وسیع تر مردم و با طرح خواست های مشخص اقتصادی به مقابله برخاست. در مرحله جدید مبارزه کارگران، دهقانان، کارمندان، پیشه وران و دیگر اقشار خلق در راه خواست اقتصادی مشخص و بهبود شرایط کار و زندگی شان اهمیت خود را همچنان حفظ می کند.

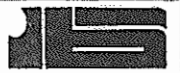
لحستان در ... بقیه از صفحه آخر

حزب ۵۳ درصد آرا انتخابات را برای خود منظور می کرد. در انتخابات اخیر این رقم را به ۳۸ درصد تقلیل داده است. احزاب موقعیت و فعالیت هلنی برای اتحادیه مبعستکی و حق داشتن روزنامه، از نتایج "میزگرد" بوده است.

حزب متحده کارگری لهستان، رسانه های گروهنی و همه جناح ها را به ضرورت بالا بردن احساس مسئولیت و اتخاذ شیوه های جدید برای رفع بی تفاوتی سیاسی و ادامه روند گفتگوها، مصالحه و فرموده دوت کرده است.

کنگره ... بقیه از صفحه ۷

اجتماعی، همه اقوام و ملل کشور ما از سیاست نوسازی که امیدهای فراوانی را برانگیخته است، پشتیبانی می کنند. رای دهندگان آکیداً خواهان آنند که نوسازی قاطعانه تر و پیگیرانه تر به پیش برده شود



### انتشار کتاب

## اندیشه علمی در پی شناخت سرمایه داری معاصر

کتاب "اندیشه علمی در پی شناخت سرمایه داری معاصر" توسط انتشارات سازمان منتشر شد. این کتاب در برگیرنده مجموعه مقالات در مورد "سرمایه داری معاصر" است که توسط صاحب نظران جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی بانگاهی نو تحریر یافته است. این مقالات عبارتند از:

۱. جنبش کارگری در جستجوی اکثریت دموکراتیک بقلم: یوری کراسین
۲. درباره مکانیسم های خوددوویی در سرمایه داری معاصر بقلم: یو. بارکو
۳. وجوه اجتماعی انقلاب تکنولوژیک در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بقلم: نیکلی گاوزن
۴. سرمایه داری، سوسیالیسم و مکانیسم اقتصادی تولید معاصر بقلم: ویکتور شنیتس

در پیشگفتار در باره هدف از ترجمه و انتشار مجموعه مقالات گرد آمده در این کتاب تاکید شده است:

طی یکی دو سال اخیر مقالات متعددی که عمده ترین مسایل جهان معاصر را مورد بررسی قرار می دادند از جانب سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در نشریه انقلاب و سوسیالیسم، در سایر نشریات و نیز در مجموعه های جداگانه انتشار یافته اند. این کار به فتای اندیشه مارکسیستی در ایران به ویژه به شناخت فعالین جنبش ما از ماهیت و رسالت و اهمیت نو سازی و تفکر نوین و سیعاییاری رسانیده است. اکنون نیز در ادامه تلاش ها برای اشاعه نظریات نوین و تحقیقاتی که اندیشه مارکسیستی به محل می آورد مقالاتی در این مجموعه انتشار می یابد که حاوی افکار، ارزیابی های و تحقیقاتی است که برخی از محققین و صاحب نظران متخصص مسایل سرمایه داری معاصر ارائه کرده اند. همانگونه که از خود مقالات و مسائل مطرح شده در آنها پیداست نه می توان و نه می بایست این نظرات را به مثابه حقایقی مطلق یا منحصر به فرد بشمار آورد. انتشار این مقالات نه به این معناست که نظریات و گرایشات ارزیابی های مارکسیستی موجود به آنچه در این مقالات آمده است منحصر است. و نه به این معناست که تنوع آرا و عقاید مارکسیستی در باره سرمایه داری معاصر چیزی از اهمیت و ضرورت مطالعه و مذاقه در آنها را کم می کند.

اهمیت مطالعه این مقالات در یک مجموعه از نظر مباحثی که هم اکنون در سازمان ما در جریان است نیز باید مورد توجه قرار گیرد. طرح دیدگاه ها و نظریات در باره سرمایه داری و سوسیالیسم امروزی به تکوین و انسجام دیدگاه هادر باره بنیان های برنامه سازمان به فتای مباحثات پیرامون آن و به بسط شیوه های نوین نگرش به مسایل جهان و کشور و جنبش ترقی خواه آن یاری می رساند. امید است که ادامه تلاش ها برای ترجمه و انتشار نظریات و مطالعات صاحب نظران جنبش کمونیستی و کارگری در مقیاس بین المللی در باره مسایل جهان معاصر نیز به سهم خود گرایش پیشرو و واقع گرا در صفوف نیروهای چپ و دمکراتیک میهن ما را تقویت کند و سازمان را در راه تدارک کنگره در راستای تجهیز به دید و دانش نو جوی مارکسیستی هر چه بیشتر یاری دهد.

### مدرنیزاسیون سیاست

## نه مدرنیزاسیون سلاح

اتحاد شوروی و سنای امریکا، طرفین بتدریج اقدام به اجرای قرار داد کردند و تا امروز علیرغم مشکلاتی که در راه اجرای آن وجود داشت و یا بود ادامه دادند. قرار داد تا حد معینی به اجرا در آمده است. در همان موقع برخی محافل امپریالیستی ضمن ابراز نارضایتی خود از انعقاد این قرار داد در راه اجرای آن سنگ اندازی کردند. این محافل در همین حال ایده مدرنیزاسیون سلاح های موجود را نیز که در سال ۱۹۸۳ توسط گروه برنامه ریزی ناتو مطرح و گویا تصمیم گیری های هم شده بود، زنده کردند و طی یکسال و نیم اخیر تلاش های

یکسال و نیم پیش در دیدار تاریخی سران امریکا و شوروی در واشنگتن گامی بزرگ در راه محو سلاح های هسته ای برداشته شد. رهبران کشورهای اتحاد شوروی و امریکا، پای قرار دادی را امضاء کردند که مطابق آن موشک های میان برد (۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلومتر) ظرف ۳ سال و موشک های کوتاه برد (۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر) ظرف یکسال و نیم نابود گردند. مجموع این موشکها ۲۶۰۰ عدد تخمین زده می شد که معادل ۴٪ ذخیره تسلیحات هسته ای طرفین است. پس از تایید قرار داد مذکور توسط مراجع عالی تصمیم گیری دو کشور یعنی شوروی عالی

بقیه در صفحه ۱۰

### پیام ک.م.ح.ک.ا.ش. خطاب به

## هجدهمین کنگره

## انترناسیونال سوسیالیستی

کنگره هجدهم انترناسیونال سوسیالیست ما با شرکت نمایندگان احزاب سوسیالیست کشورهای مختلف جهان در روزهای اخیره ماه گذشته برگزار گردید. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این رابطه پیامی به این کنگره از سال داشته است. نظر به اهمیت مفاد پیام همین آرا درج میشود.

در صفحه ۱۰

### اجلاس فوق العاده سران عرب

## تحول اوضاع در منطقه عربی

در صفحه ۱۱

## لهستان، در آزمون پارلمان دمکراتیک

رفرم های رادیکال که ضرورت امروزیین جامعه لهستان است، دخالت و مداخلت داده است. به ویژه تاریخ چندین ساله اخیر نشان داده است که حل بحران سیاسی و اجتماعی که جامعه لهستان با آن درگیر است، از عهده یک نیروی سیاسی به تنهایی بر نمی آید. می بایست جبهه وسیع کلیه نیروهای ذینفع یا تکیه بر تامین دموکراسی و رفرم های رادیکال اقتصادی در راه قلبه بر بحران موجود با هم تشریک مساعی و همکاری کنند.

در ماه گذشته انتخابات پارلمان لهستان انجام شد. در این انتخابات "اتحادیه همبستگی" که در گذشته غیر قانونی بود، امکان پیدا کرد که اعضای خود را کاندید کند و به پارلمان بفرستد. نتایج انتخابات حاکی از پیروزی های قابل توجه اپوزیسیون (اتحادیه همبستگی و دیگران) بود. آنها توانستند ۹۲ کرسی از ۱۰۰ کرسی سنارا تصاحب کنند و همچنین ۳۵٪ کرسی های پارلمان را نیز اشغال نمایند. ۶۵٪ باقیمانده کرسی ها به ائتلاف حکومتی اختصاص یافت.

هم تشریک مساعی و همکاری کنند. نمایندگان ائتلاف حاکم و رهبران اتحادیه همبستگی و دیگر نیروها و شخصیت های اپوزیسیون بر اساس ضرورت فوق قریب سه ماه پیش از برگزاری انتخابات طی یک سری مذاکرات طولانی تحت عنوان "میزگرد راهیابی مسایل و مشکلات لهستان" وضعیت کنونی لهستان را مورد بررسی قرار دادند و به نتایج و توافق های قابل توجهی در راه کار مشترک برای قلبه بر

امروز لهستان در وضعیت جدید اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است. مشخصه اصلی وضعیت جدید مشارکت واقعی اپوزیسیون به ویژه "اتحادیه همبستگی" در روند تصمیم گیری های حیاتی کشور است. انتخابات اخیر نیروهای اپوزیسیون را بطور قانونی و واقعی در روند نو سازی سوسیالیستی و

دشواری های جامعه لهستان رسیدند. انگیزه و همت اصلی برگزاری میز گرد از جانب ائتلاف حاکم این بود که نمی خواهد و نمی تواند دیگر اپوزیسیون را بحساب نیاورد و مالا باید از همه نیروها و ذخیره های موجود برای قلبه بر بحران بهره گرفت. پذیرش ضرورت حضور نیروهای اپوزیسیون در پارلمان و شرکت آنها در قدرت از نتیجه گیری های اولیه و مهم میز گرد بود. پیش از این

بقیه در صفحه ۱۵

### اندیشه علمی در پی شناخت

## سرمایه داری معاصر

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آدرس  
P.O. Box 10  
1091 WIEN  
AUSTRIA

حساب بانکی  
AUSTRIA - WIEN  
BAWAG  
NR. 029 10701 - 650  
DR. GERTRAUD ARTNER